

تاریخ ادبیات سال اول

یوهان کریستف فریریش شیلر: (۱۸۰۵ - ۱۷۵۹ م.) از شعرای بزرگ آلمان است. برفی وی را با کوته شاعر بزرگ آلمانی برابر می‌دانند.

فرانسوا کوپه: (۱۹۰۸ - ۱۸۴۲ م.) شاعر و درام‌نویس فرانسوی است.

برفورد اندیشه‌ها: نوشته جواد مدیری می‌باشد.

تربیللو: شاعر ایتالیایی نویسنده‌ی «قطرات سه‌گانه» که آن را یوسف اعتمام‌الملک ترجمه نموده است.

رابیندرانات تاگور: (۱۹۴۱ - ۱۸۶۱ م.) شاعر بزرگ هندی است. در کلکته به دنیا آمد و دو بار به انگلستان سفر کرد و به نوبت آزادی میهن فویش پیوست. او مفتخر به دریافت جایزه‌ی نوبل ادبی است.

نظامی گنجه‌ای: شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم قمری است. خمسه یا پنج‌گنج او عبارتند از: «مفزن الاسرار»، «فسرو و شیرین»، «لیلی و مننون»، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه».

فوارزمشاه، ممد: سلطانی که در برابر عملی چنگیز به جزیره‌ی آبسکون فرار و در آن‌جا درگذشت.

ممیدی، مهدی: (۱۳۶۵ - ۱۲۹۳ ه. ش.) شاعر توانای معاصر بوده است.

قابوس‌نامه: اثر عنصرالمعالی کیکاووس که در سال (۴۷۵ ه. ق.) در ۲۴ باب برای نصیحت فرزندش کیلانشاه نوشته است. ویژگی کتاب سادگی و جاذبه داستانی و وسعت اطلاعات آن است.

فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی: اثر دکتر غلامعلی مدراد عادل نویسنده معاصر است.

زرین‌کوب، عبدالحمید: محقق و نویسنده‌ی معاصر، متولد ۱۳۰۴ در بروچرد و آثاری چون «نقد ادبی، با کاروان حله، بحر در کوزه، سرنی، با مدراد اسلام و از چیزهای دیگر» دارد.

سهراب سپهری: (۱۳۵۹ - ۱۳۰۷ ه. ش.) اهل کاشان، شاعر، نقاش معاصر و نویسنده‌ی کتاب «اتاق آبی» می‌باشد.

عطا ملک جوینی: عطا ملک جوینی (۶۸۱ - ۶۲۳ ه. ق.) نویسنده‌ی تاریخ جهان‌گشای جوینی می‌باشد؛ که این کتاب شرح وقایع تاریخی قرن هفتم هجری و عملی مغول به سرزمین ماست.

فردوسی، ابوالقاسم: نویسنده‌ی کتاب شاهنامه، بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرای ایرانی می‌باشد که بین سال‌های (۴۱۶ - ۳۲۹ ه. ق.) می‌زیسته است و در سال (۳۷۰ ه. ق.) نظم شاهنامه را شروع نمود. این کتاب که نگارش آن سی سال طول کشید را می‌توان به سه

بخش اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم نمود.

سمک عیار: داستان سمک عیار نوشته‌ی فرامرز بن فرداد کاتب ارجانی یکی از قدیمی‌ترین بازمانده‌های داستان‌پردازی به شیوه‌ی تقالی و سفنوری در ادبیات فارسی است.

این کتاب در قرن ششم یا هفتم هجری نگارش یافته است. وجود نام‌های ایرانی بسیار در این کتاب حکایت از ایرانی بودن داستان سمک عیار می‌باشد.

سمک که با وجود کوچکی اندام مظهر دلیری و جوانمردی در خدمت فرورزشیر شاه، پسر پادشاه حلب است و داستان کتاب حول تلاش سمک برای برآوردن خواست‌های شاه و فرزندش می‌باشد.

هفت پیکر: کتابی است به نوشته‌ی نظامی کنبوی.

مثنوی معنوی: کتابی است ادبی و عرفانی به نوشته مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ - ۶۸۴ ه. ق.) که در آن بیست‌وشش هزار بیت در شش دفتر فراهم شده است.

دانشور، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل‌احمد.

مثل پشمه، مثل رود: اثر قیصر امین‌پور می‌باشد و حال و هوای فضای تاریک قبل از انقلاب را ترسیم می‌کند.

آوینی، مرتضی: فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی سوره بود. متولد (۱۳۲۶ ه. ش.) و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی فکه شهید شد. آثارش مجموعه‌های تلویزیونی «شان گزیده‌ها، حقیقت، روایت فتح، و سراب» می‌باشد.

ریشه در ابر: اثری است از محمد رضا عبدالملکیان.

دهفرا: علی اکبر دهفرا در سال ۱۳۵۸ ه. ش. در تهران متولد شد. با یاری دوستش میرزا جهانگیرخان، روزنامه‌ی «صوراسرافیل» را منتشر کرد. وی مقالات خود را با نام «چرند پرند» و امضای «دفو» در روزنامه‌ی صوراسرافیل منتشر می‌کرد. وی مولف اولین لغت‌نامه‌ی فارسی است. او در سال ۱۳۳۴ ه. ش. در تهران درگذشت.

عارف قزوینی، ابوالقاسم: (۱۳۵۳ - ۱۳۰۰ ه. ش.) شاعر و تصنیف‌ساز مشروطه است. وی از شانزده سالگی به شعر روی آورد و مورد توجه مظفرالدین شاه بود.

مراغه‌ای، زین‌العابدین: نویسنده‌ی «سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ» و در دوره‌ی ۱۲۵۵ تا ۱۳۲۸ ه. ق. می‌زیسته است. این کتاب بیانگر اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است و قهرمان داستان آن ابراهیم بیگ فرزند یکی از تبار آذربایجان است.

بهار، محمدتقی: شاعر آزادی (۱۳۳۰ - ۱۳۶۶ ه. ش.) در مشهد به دنیا آمد و نزد محمد کاظم صیوری ملک‌الشعراي آستان قدس، ادب آموخت. وی روزنامه‌های «فراسان» و «نوبهار» را منتشر کرد. سپس به استادی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران رسید.

قبادیانی، ناصر خسرو: (۴۸۱ - ۳۹۴ ه. ق.) ملایم، شاعر و جهانگرد ایرانی است. در پهل ساگی از فوای غفلت خود برخواست و

سفری هفت ساله را آغاز کرد. اثر وی «سفرنامه‌ی ناصر خسرو» می‌باشد.

پرستو در قاف: سفرنامه‌ی حج «علیرضا قزوه» متولد ۱۳۴۲ است.

کلمر، هلن: زن نایینا و کروالی بود که در ۲۴ ساگی به افز درجه‌ی لیسانس نایل آمد.

اقبال لاهوری، محمد: (۱۳۱۶ - ۱۲۵۰ ه. ش.) شاعر و متفکر پاکستانی است. وی تمصیلات خود را در فلسفه و حقوق در انگلستان و

آلمان تکمیل کرد. وی در استقلال پاکستان نقش مهمی داشت.

صفا، محمد ابراهیم: شاعر معاصر افغانستان متولد (۱۲۸۵ ه. ش.) در کابل است. دیوان اشعار او «نوی کوهسار» است.

عبید رهیب: شاعر معاصر تاجیک می‌باشد.

آب ز نید راه را

آب ز نید راه را، هین که نگار می‌رسد	مژده دهیر باغ را بوی بهار می‌رسد
راه دهیر یار را، آن ده چهار را	کز رخ نوریش او نور نثار می‌رسد
چاک شده‌ست آسمان، غلغله‌ای ست در جهان	عنبر و مشک می‌دمد، سنبق یار می‌رسد
رونق باغ می‌رسد، چشم و چراغ می‌رسد	غم به کناره می‌رود، مه به کنار می‌رسد
تیر روانه می‌رود، سسوی نشانه می‌رود	ما چه نشسته‌ایم پس؟ شه ز شکار می‌رسد
باغ سسلا می‌کند، سرو قیام می‌کند	سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد
فلوتیان آسمان تا چه شراب می‌خورند!	روح شراب و مست شد، عقل خمار می‌رسد
چون برسی به کوی ما، خامشی است فوی ما	زان که ز گفت‌وگوی ما، گردد و غبار می‌رسد

گفتم غم تو دارم ...

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفتا ز خوب رویان این کار کم تر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم گفتا که شب و روست او از راه دیگر آید
گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
گفتم خوشا هوایی کن باد صبح خیزد گفتا فنک نسیمی کن کوی دلبر آید
گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو گشت گفتا تو بندگی کن کاه بنده پرور آید
گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد گفتا مگوی با کس تا وقت آن در آید

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آید

گفتا فموش «حافظ» کاین غمّه هم سر آید

هر جا که تویی تفرّج آن باست

بوی گل و بانگ مرغ بر باست هنگام نشاط و روز صبر است
فرآش فزنان ورق بیفشانند نقاش صبا چمن بیار است
ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آن باست
کویند نظر به روی فویان نهی است، نه این نظر که ما را است
در روی تو سر صنع بی چون چون آب در آبگینه پیوست
هر آدمی ای که مهر مهرت در وی نگرقت سنگ فزار است
روزی تر و فشک ما بسوزد آتش که به زیر دیک سودا است
نایلیدن بی مساب سعدی کویند خلاف رأی داناست
از غرقه ی ما فبر ندارد آسوده که بر کنار دریاست

تو را من پشیم در راهم ...

تو را من پشیم در راهم شباهنگام

که میگیرند در شاخ «تلاش» سایه ها رنگ سیاهی

وزان دل فستگانت است اندوهی فراهم؛

تو را من پشیم در راهم.

شباهنگام در آن دم، که بریا، درّه ها چون مرده ماران فستگان اند؛

در آن نوبت که بندر دست نیلوفر به پای سرو کوهی دام

کرم یادآوری یا نه، من از یادت نمی کاهم؛

تو را من پشیم در راهم

آفره: چنبره کردن

آفرین: ستایش

الف

ابتر: ناقص، دم پُریده

ابدرال: مردان کامل

اجانب: جِ اجنبی، بیگانگان

اُفت: مأنوس، اُفت شدن؛ مأنوس شدن (عامیانه)

افتر: ستاره (در متن درس دوم به معنای طالع و بخت و اقبال است.)

افتیار کردن: برگزیدن

اذکار: به یاد کسی آوردن

ارتراق: روزی خوردن

ازدهام: انبوهی (بسیاری جمعیت)

ازرق شامی: یکی از سرداران لشکر عمرین سعد در واقعه‌ی کربلا، نماد خیانت

ازهار: جِ زهر، شکوفه‌ها

استر: قاطر

استماع: شنیدن

استیفا: تمام گرفتن

اسلمی: شکل تغییر یافته‌ی کلمه‌ی اسلامی، طرح‌هایی مرکب از پیچ‌وفهم‌های متعدد که شبیه عناصر طبیعت هستند.

اُسوه: پیشوا، نمونه‌ی پیروی، سرمشق

اشاعه: پراکنده ساختن، گسترش دادن

اشباه: جمع شبه، ماندها

اَشرف: ج شریف، مردان بزرگ قدر

اعتدال: میانه روی، برابر شدن

اعتکاف: گوشه نشینی برای عبادت

اُعبویه: مایه شگفتی بسیار

اعزاز: کرامی داشتن

افسر: تاج

اقبال: بخت و طالع، بهروزی و نیک بختی، به اقبال تو؛ به فرزندکی بخت تو

اَکرام: بزرگداشت

امارت: سلطنت، پادشاهی، حکومت

انتزاعی: ذهنی، آنچه در عالم خارج وجود ندارد و ساخته ی ذهن آدمی است.

ایرون: چنین، چنان

ب

باره: اسب

بازِ پس: به پشت

بفشایندگی: چشم پوشی از گناه

بدر: نام نخستین غزوه ی پیامبر (ص) با کفار بین مکه و مدینه

بدسگالی: بداندیشی، دشمنی، بدخواهی

بر اثر: به دنبال

برفوردار: بهره ور

برنشتتن: سوار شدن

برپای بود: ایستاده بود

بط: مرغابی

بعینه: عیناً، مانند

بُشن: خواروبار، از قبیل نفود و لویا و عرس

بیت الفَرن: خانه‌ی غم، ماتمکده

بیرنگ: نمونه و طرحی که نقاش به صورت کم‌رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ آمیزی می‌کند، طرح اولیه

بیغوله: کنج، گوشه‌ای دور از مردم

بیگار: کار بی‌مزد

پ

پالهنک: ریسمان و بند، یوغ

پایاب: جایی از رودخانه که بتوان از آن گذشت، بی‌پایاب: بی‌کدار

پَتَل پُرت: تلفظ عامیانه‌ی پطرز بوغ، پطرزبورگ، نام شهری در روسیه

پلاس: جامه‌ای پشمینه و ستبر که درویشان پوشند، نوعی کلیم

پندر نیوش: پندرشنو، پندزیر، نیوشیدن: شنیدن

پیمود: پیمانه کرد، در جام ریفت، شراب پیمودن: آشامیدن یا نوشاندن شراب

ت

تازی: عرب، زبان تازی: زبان عربی

تازیک: (لفظی است ترکی) غیر ترک به ویژه فارسی‌زبانان را گویند.

تائی: آهستگی

تباه: فاسد، خراب، تباه کردن چشم: کور کردن

تَبَقْتُر: به تاز خرامیدن، تکتیر

تَهَلّی: آشکار شدن، جلوه کردن

تُفمه: نژاد

تذکره: یادداشت، زندگی‌نامه‌ی شعرا و دانشمندان

تسلّا (تسلّی): آرامش یافتن، بی‌غمی

تصنّع: خودآرایی، ظاهر سازی

تکَلّف: رنج بر فرد نهادن، خودنمایی و تمبّل

تلاّجین: درفتی است فنگلی

تمتّع: بر فرد داری، بهره‌مندی

تمیید: ستایش، بزرگداشت

تمکین: احترام، بزرگداشت

تنگ: بار، تنگ شکر؛ بار شکر

توتیا: سرمه

ج

جاپن: ژاپن

جزمیّت: استوار بودن، قطعی بودن

جلبات: چادر زنان، پرده

جَلّ جلاله: بزرگ است شکوه او (فدا)

جُنود: ج. جُنْد، لشکریان، سپاهیان

جولقی: ژنده‌پوش و کدرا

چیره: مقدار محدود از مواد غذایی که به صورت مقرّری به کسی یا کسانی دهند.

چیفه: لاشه، مُردار، چیغه‌ی دنیا؛ مجازاً مال و منال دنیا

ح

حاجب: پرده‌دار، دربان

حاذق: ماهر، چیره‌دست

حمایل کردن: آویختن از کردن یا شانه

حُنّین: نام یکی از غزوات پیامبر بزرگ اسلام (ص) است که در سال هشتم هجرت در ممّلی بین طائف و مکه به همین نام صورت گرفته است.

خ

خُبث: پلیدی، خُبث طینت، بدچینی

خِتام: آخرکار، خراجام

خدمت کردن: تعظیم کردن، کرنش کردن

فَرَمَه: جِ فارم، خدمتکاران

فَطِير: بزرگ، موم

فِلَعَت: جامه‌ای که بزرگی به کسی بپوشد

فَوَان: سفره

فُود: کلاه جنگی

فُور: زمین پست، شافه‌ای از دریا

فُوش‌گُوار: گوارا، مطابق میل

فُوی: عرق، آبی که از چهره و پوست بدن تراوش کند.

فیران‌ریش: فیرخواه

فیرالانام: بهترین مردم، لقب پیامبر (ص)

>

دادار: آفریننده، خالق جهان

دارالاماره: جایگاه فرمانروایی، پای تفت

داستان‌پرداز: داستان‌سرایی، قصه‌گویی

دَپیر: نویسنده

درفور: بایسته، لازم، درخورنده: لایق، سزاوار

درچه: پایه، مرتبه

درنوردیره: درهم پیچیده

دستار: پارچه‌ای که سر بندند

دَستان: زال، پدر، رستم

دستگاه: قدرت، غلبه

دَشنه: فنجر

دَلق: جامه‌ای پاره‌پاره، صاحب دَلق: ژنده‌پوش

دَلگ: کیسه‌کش حمام، مشّت و مال‌دهنده

دَلَمه: بسته شدن مایعات، فون لفته‌شدن

دَم‌زدن: نفس‌زدن، سفن‌گفتن

دَنائَت: پستی، کم همتی

دَهنَره: فراوانر بخشنده

دَین: وام

ذ

ذی‌هیات: جان‌دار

ر

راست‌وریس: همواره کردن، مرتب کردن (عامیانه)

رایت: بیرق، عَلَم

رُعب: ترس، دلهره

رعیت: مردم زیردست فرمانروا

رَغَم: به رَغَم کسی: بر خلاف میل او

رُقعه: نامه

رندانه: زیرکانه

رُئسانس: دوره‌ی تَبدیل، تَبدیلِ هیات علمی و ادبی در اروپا

رهوار: تندرو (صفت اسب)

ز

زاد: توشه

زربغت: بافته شده از رشته‌های طلا

زرینه: وسایل ساخته شده از طلا، طلایی

زُفان: زبان

زُفت: لَئیم، ممسک، زفتی؛ لَئیمی، بشیل بودن

زنده پیل: فیل بزرگ و فشمکین

زماَم: مهار، عنان

زمانه: اجل، مرگ

زنهار: امان دادن، امان

زیب: آرایش، زیبایی

زینهار: امان، زینهار دادن؛ امان دادن

س

سام: پدر زال، جر رستم

سَبَك: سریع، فوراً

ستیزه: دشمنی، جدال

سفنوری: سفن‌گویی، سفن‌رانی

سماجت: اصرار، پافشاری، بی‌شرمی

سوداگر: مشتری، خریدار و فروشنده

سوله: سالن‌های بزرگ و بدون ستون میانی با سقف شیب‌دار که برای انبار یا کارخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیماب‌گون: به رنگ چپوه، سیماب؛ چپوه

سیمینه: وسایل ساخته شده از نقره، نقره‌ای

ش

شب‌روی: شب‌گردی، عیاری، راهزنی

شبِفون: حمله‌ی ناگهانی در شب

شَرَت: سستی

شَفَق: سرخی آسمان بعد از غروب آفتاب

شُکُف: شکفت‌آور، با عظمت

شَم: بویایی

شِنْدَر غاز: پولی اندک و ناپیز

شوکت: جاه و جلال

شیراوژن: شیرافکن

ص

صدر: بالا

صرعیان: بیماران مبتلا به عارضه‌ی صرع، صرع: بیماری غشی

ط

طاس: نوعی ظرف، کپلی و بی‌مویی کامل

طَرَف: کناره

طلایه: مقدمه و پیش‌رو سپاه

طُمُئِنَه: آرامش و قرار

طینت: سرشت

ع

عَبِر: جِ عبرت، آنچه بدان پند گیرند

عُجِب: خودپسندی

عریفه‌پی: شاکلی، شکایت‌کننده

عزیمت کردن: قصد و آهنگ کردن، سفر کردن

علی‌رغم: به رغم، بر خلاف میل

عواید: جِ عایده، درآمدها، درآمد

عیّاری: جوانمردی، زیرکی، چالاک‌گی

غ

غارب: میان دو کتف

غایت: نهایت، به غایت: در حدود نهایت، بی‌نهایت

غایی: نهایی

غدر: خیانت، مکر، بی‌وفایی

غریو: شور و فریاد

غَنّا: توانگری، بی‌نیازی

غَنّا: سرود و موسیقی

ف

فراز رفتن: نزدیک رفتن، پیش رفتن

فَرَج: کشایش، رهایی

فَراغ: آسایش

فُسطاط: شهری از سرزمین مصر، این شهر امروزه بخشی از قاهره است.

فطرت: سرشت، آفرینش

ق

قرب: نزدیکی

قَشَر: طبقه، قشرهایی از جامعه، طبقاتی از مردم
قندیل: چراغ، چراغداران، شمعدان که از سقف آویزند.
قیَم: سرپرست در متن به معنی کیسه‌کش عمام

ک

کامگار: نیک‌بخت، قادر، موفق
کرامت: بزرگی، بخشش
کَرَنَش: فروتنی، تعظیم
کَل: کپل
کَلَه: برآمدگی پشت پای اسب
کَنگَره: مجمعی از دانشمندان و یا سیاستمداران که درباره‌ی مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند. (کلمه فرانسوی)

گ

گُردَه: پشت، بالای کمر
گَزاف‌کاری: افراط، مبالغه، بیهوده‌کاری
گَلیم: جامه‌ی پشمین
گَو: پهلوان
گَو: کودال
گوهَر: نژاد، اصل، کوه‌ری: نژاده، اصیل
گُورِ برده: کُهر از دست داده

ل

لَنگ: ازار، جامه‌ی عمام که بر کمر بندند
لَو: پرچم

م

مادام: همواره، همیشه
ماچین: سرزمینی در جنوب چین و مشرق هندوستان. در ادبیات فارسی ظاهراً منظور از چین ترکستان شرقی بوده و مراد از ماچین (مهاچین) کشور چین بوده است.
مایه: سرمایه
مَمَل: کباوه

مفصصه: بدبختی و غم بزرگ، این واژه به معنی گرفتاری متداول شده است.

مرافعه: شکایت به قاضی بردن، دوری

مرتزق: بهره‌مند، روزی یافته

مرصع: آراسته، جواهرنشان

مسلخ: رفت‌کن حمام

مسلک: روش

مشاطه: آرایشگر

مُشوش: آشفته و پریشان

معترض: اعتراض‌کننده، خرده‌گیر

معرکه: میدان جنگ

مغاک: کودال

مُغیلان: «رفته‌ای با خارهای بسیار، خار شتر. اصل کلمه «ام غیلان» بوده است. به معنی مادر غولان

مُغلس: تهی‌دست، درویش

مُقبل: خوش‌بخت

مقنن: قانون‌گذار

مکاری: خربنده، کسی که اسب و شتر و الاغ به کرایه دهد یا به کرایه برد.

ملازمان: همراهان

ملجأ: پناهگاه

ملبیه: رشته‌ی باریک تخته‌ای یا طلایی که داخل میوفا باشد و با آن روی پارچه نقش و نگار ایجاد کنند.

منال: مال و ثروت، در آمد مستغلات

منبت: نقش برجسته به شکل گل و گیاه و جز آن که روی چوب ایجاد کنند.

منقبت: هنر و کار نیک، آن چه بدان نازند

مواریث: ج میراث، آنچه از مرده به جا ماند

مواهب: ج موهبت: بخشش‌ها

مؤافزت: بازخواست و عقوبت به سبب گناه

موکب: گروهی از سواران یا پیادگان که به همراهی بزرگی در حرکت باشند.

مهر: کباوه، محمل

میرآفور: نگهبان اصطبل، رئیس و موتر اصطبل

میراب: نگهبان آب، کسی که آب را به فانه‌ها و باغ‌ها تقسیم می‌کند.

میغ: ابر سیاه

ن

نازبوی: شاهسپر، ریان

نفیر (نفیر): شکار، شکار کردن، نفیرگاه: شکارگاه

نزول اِبلال: به عزت فرود آمدن، به احترام به جایی وارد شدن

نشئت: سرپوشمه

نعت: ستایش

نقالی: قصه‌گویی، نقل کردن داستان

نوش: عسل

نهیپ: هیبت و ترس، آواز مهیب (در متن درس سمک و قطران به معنی گزند و آسیب است.)

نیرم: نریمان، پدر سام

نیوشیدن: شنیدن، گوش دادن

و

وَقَب: هر فرو رفتگی اندام چون کودی پشم

وکیل مدافعه یا مدافع: نماینده‌ی قانونی طرفین دعوا به منظور دفاع از موکل خود

هـ

هامون: دشت، بیابان

هَرَم: گرمای آتش

هنر: در قریم به معنی فضیلت و معرفت بوده و در برابر «عیب» به کار می‌رفته است. بی‌هنر: بی‌فضیلت

ی

یارست: توانست، از مهر یارستن

فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها

آبشار نیاگارا: نام قسمتی از رود عظیم سن‌لوران در آمریکای شمالی. از دریاچه‌ی اریه شروع به دریاچه‌ی انتاریو می‌شود.

آپهام: باستان‌شناس معاصر است با نام پروفیسور آرتوآپهام.

آذربایجان: از استان‌های ایران که دارای ۲ قسمت می‌باشد. ۱- آذربایجان غربی ۲- آذربایجان شرقی

آریا: مهم‌ترین شعبه‌نژاد سفید که سه‌هزار سال پیش از میلاد مسیح در فلات ایران ساکن شده یا به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند. آن‌ها اجداد

ایرانیان، هندی‌ها، یونانیان، رومیان و بیش‌تر ملل اروپا و آمریکا محسوب می‌شوند و نژاد هند و اروپا و آریان و آریین نامیده شده‌اند.

آریین‌پور، یفنی: از نویسندگان معاصر که از آثار او می‌توان «از صبا تا نیما» را نام برد.

آلاباما (Alabama) از جمله مهم‌ترین ایالات آمریکا واقع در نواحی جنوب‌شرقی آمریکا (اتازونی) و پایتخت آن مونتگمری (Montgomery) است.

آل احمد، جلال: نویسنده، منتقد و روزنامه‌نگار، از آثار وی می‌توان کتاب‌هایی همچون «غرب‌زدگی»، «کلرنامه سه ساله» و «فسی در میقات» را نام برد.

آمریکای لاتین: شامل کشورهایی چون آرژانتین، شیلی، پرو، بولیوی، اروگوئه و قسمت‌های زیادی از برزیل و اکوادور است.

آندرسن: هانس کریستین آندرسن نویسنده‌ی دانمارکی (۱۸۷۵ - ۱۸۵۰ م.) مؤلف حکایاتی که از لحاظ تفیّل و لفظ مزین‌آمیز شایان توجّه است. شهرت او به دلیل داستان‌هایی است که برای کودکان نوشته است.

آوینی: شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد و در سال ۱۳۷۲ در منطقه‌ی قلّه به شهادت رسید. او فیلم‌ساز و سردبیر مجله‌ی سوره بود. از فیلم‌های او که ساخته شده می‌توان به «شان‌گزیده‌ها»، «حقیقت»، «روایت فتح» و «سراب» اشاره کرد.

ابوالفضل (ع): عباس‌ابن علی، چهارمین فرزند ام‌البنین، که به «قمر بنی‌هاشم» معروف بود. وی در روز عاشورای ۶۱ هـ. ق در ۳۴ سالگی در واقعه‌ی کربلا شهید شد. بقعه‌ی او در کربلاست. از فضایل وی شجاعت، جوان‌مردی و ایثار است.

ابوعلی سینا: حسین‌بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا ملقب به «شیخ‌الرئیس»، از حکما و علمای کبار اسلام است.

اروند رود: رودی در جنوب ایران که به خلیج فارس می‌ریزد و از چهار رود کارون و کرخه در ایران و دجله و فرات در عراق به وجود آمده است.

اسفندیار: جهان پهلوان ایرانی که به دست رستم کشته شد.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی کهنه‌ای که شامل دو بخش شرفنامه و اقبال‌نامه است. در این کتاب سفن از علم و کلمت و پیغامبری اسکندر و سرانجام زندگی وی و پایان روزگار حکمایی است که با او مجالست داشته‌اند.

اسلامی نروشن، مہمّرعلی: نویسنده‌ای که در سال ۱۳۰۴ هـ. ش. در نروشن یزد دیده به جهان گشود. از کتاب‌های او می‌توان «کشور شوراها»، «کلارنامه‌ی سفر چین» و «آزادی میسمه» را نام برد. علاوه بر این کتاب‌ها «روزها»ی وی یکی از نمونه‌های برجسته‌ی مسب حال‌نویسی و زندگی‌نامه در زبان فارسی است.

اعتصام‌الملک، یوسف: از نویسندگان و مترجمان مشهور عصر حاضر، از آثار او دو دوره مجله‌ای بهار و از ترجمه‌هایش ترجمه‌ی جلد اول تیرہ‌بشتان و یکتور هوکو معروف است.

اعتصامی، پروین: شاعر مشهور زبان فارسی. اشعار وی در عیطه‌ی مسائل اجتماعی، اخلاقی و انتقادی و حالت اندرزنکونه دارد. وی در سال ۱۳۲۰ درگذشت. مناظرات وی مشهور است.

افراسیاب: نام پادشاه توران که در زمان کیخسرو گرفتار و کشته شد.

اقبال لاهوری: مہمّر اقبال لاهوری (۱۳۱۶ - ۱۳۵۰ هـ. ش) شاعر و متفکر پاکستانی است. اقبال در استقلال پاکستان نقش مهمی داشته و به دو زبان فارسی وارد شعر می‌سوزد. از کتاب‌هایش می‌توان «یاویدنامه»، «پیام شرق» و «ارمغان عجاز» را نام برد.

ام‌البین: مادر حضرت ابوالفضل (ع) و همسر حضرت علی (ع) بعد از فاطمه (س).

دہلوی، امیر فسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن ۷ می‌زیسته. وی به تقلید از نظامی پنج مثنوی سروده: ۱- مطلع الانوار ۲- شیرین و فسرو ۳- مہنون و لیلی ۴- آیینہ‌ی اسکندری ۵- ہشت بہشت.

اہرمین: به معنای شیطان، راهنمای بدی، مظهر شرّ و فساد و تاریکی و پلیدی و نام شیطان است.

باباطاہر: باباطاہر عربان ہمدانی از عرفای وارستہ‌ی ایران است که در اواخر قرن چهارم به دنیا آمد و شہرتش در اواسط قرن پنج بود. دوبیتی‌های وی حاوی سوز و کدرازی دل‌انگیز و سرشار از اندیشہ‌های عرفانی است. از ویژگی‌های این دوبیتی آن است که به‌کوشش محلی لری، دنباله زبان پهلوی ایران قدیم سروده شده است.

باقر (ع): مہمّدین علی ملقب به باقر (ع) یا باقرالعلوم امام پنجم شیعیان است. برخی مورّخان تاریخ تولد وی را غرّہ‌ی رجب سال ۵۷ هـ. ذکر کرده‌اند. مدّت زندگی‌شان ۵۷ سال، امامتشان ۱۹ سال و محل دفنشان در قبرستان بقیع است.

بدر: غزوه‌ی معروف پیامبر با کفار و در اصل نام چاهی است میان مکہ و مدینہ کہ در جنوب‌غربی مدینہ و در فاصلہ‌ی ۲۸ فرسنگی آن قرار دارد و در همین محل است کہ نخستین جنگ میان مسلمانان و مشرکان (رمضان سال ۲ هـ) روی داد و به غزوه‌ی بدر یا بدرالاکبر مشہور شد و به شکست مشرکان انجامید.

بصره: شهری است از کشور عراق در کنار شط العرب در نزدیکی فرمشهر، گویند این لفظ معرب «بس‌راه» است.

بقیع: نام قبرستانی در مشرق مدینه که بیش از ده‌هزار نفر از مهاجرین و انصار در آن مدفون شده‌اند، هم‌پنین قبر فاطمه بنت اسد مادر

امام علی (ع) و رقیه دختر پیامبر و امام حسن ابن علی (ع) و هم‌پنین امام مفضل باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) در آن‌جاست.

بل، آکساندر گراهام: فیزیکدان آمریکایی که در سال ۱۸۴۷ در ادنبورگ متولد شد و در سال ۱۹۲۲ فوت کرد. وی مخترع تلفن بود.

بوستان: یکی از آثار سعدی شیرازی و مثنوی حکمی و اخلاقی است که در سال ۶۵۵ سروده شده و دارای ده باب است.

بوستون: (Boston) شهر و بندر معروف بوستون پایتخت ایالات ماساچوست از ایالات متحده آمریکا و یکی از مراکز بزرگ صنعتی جهان

است.

بیدل دهلوی: میرزا عبدالقادر بیدل (۱۱۳۳ - ۱۰۵۴) شاعر معروف سبک هندی است. او در آثار خویش افکار عرفانی را مضامین

پیچیده‌ی شاعرانه و استعاره‌ها و کنایه‌ها درهم می‌آمیزد و این‌گونه به کلام خود لطف و عمق و جاودانگی می‌بخشد. از آثارش مثنوی‌های

عرفات، طلسم حیرت و طور معرفت، ممیض اعظم و دیوان اشعار را می‌توان نام برد.

بین‌النهرین: نامیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد رودهای دجله و فرات و بین آن‌هاست و از فلات ایران تا بیابان شام کشیده شده

است.

بهار، ملک‌الشعرا: ممدتقی پسر ملک‌الشعرا ممدکاکم صبوری شاعر بزرگ معاصر (۱۳۳۰ - ۱۲۶۶). او محقق، نویسنده، استاد دانشگاه،

روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. از آثار او می‌توان «دیوان اشعار»، «تصحیح تاریخ سیستان» و «مجموعه‌ی التواریخ» را نام برد. مهم‌ترین اثر او

سبک‌شناسی است.

بهایی: ممد بن حسین عاملی دانشمندی بنام و از شاعران عصر صفوی که در بعلبک به دنیا آمد (۱۳۰۱ - ۹۵۳ هـ). وی تألیفات

متعددی به فارسی و عربی دارد. از آن جمله مثنوی‌های «نان و علوا» و «شیر و شکر» است.

پاکستان: همسایه‌ی جنوب‌شرقی ایران و پایتخت آن اسلام‌آباد است. مردمان آن به زبان اردو، انگلیسی، پنجابی و سندی سخن

می‌گویند.

تاجیکستان: کشوری است در آسیای میانه که بین ازبکستان و افغانستان واقع و پایتختش دوشنبه است. جمعیت اصلی آن را تاجیک‌ها

تشکیل می‌دهند و نیز از کشورهای تازه استقلال‌یافته است.

توس: یکی از شعرهای فریم فراسان و سابقاً به نامیه‌ای اطلاق می‌شد که شعر نوحان و طابران و قریه‌ی سناباد (مدفن امام رضا (ع) و

هارون) در آن بود. گروهی از بزرگان بدان منسوبند از جمله جابربن حیان و فردوسی.

تولّی: فریدون تولّی در سال ۱۲۹۶ هـ ش. در شیراز به دنیا آمد. از آثار اوست «اندوه شامگاه»، «دخمه‌ی هراز»، «کوی مردگان» و «دره‌ی مرگ». او در سال ۱۳۶۴ درگذشت.

تیمور لنگ: موسس سلسله‌ی تیموریان که کشوری وسیع و دولتی عظیم ایجاد کرد و خطه‌ی ماوراءالنهر را به اهمیت رسانید و سمرقند را پایتخت این مملکت بزرگ قرار داد.

جعفر صادق (ع): امام صادق (ع) ششمین امام شیعیان است و به دلیل نشر، گسترش و تعمیق فرهنگ شیعی ایشان را بنیان‌گذار مذهب شیعه می‌نامند. در حلقه‌ی درس آن بزرگوار، دانشمندان و عالمان بزرگی پرورش یافتند. مزار او در بقیع است.

جمعه‌ی فونین: ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که مردم در میدان ژاله (شهادت) اجتماع کردند. غافل از این که حکومت نظامی اعلام شده. آن‌ها با سربازانی که مفاصله‌شان کرده بودند مواجه شدند و در این روز تعداد زیادی از مردم در میدان ژاله به شهادت رسیدند.

چوزیانان: (نام دیگر: چوزیان) از شهرهای بلخ خراسان و میان مرورود و بلخ واقع است. و از شهرهای آن انبار و فاریاب و کلار است. **چرند و پرند:** عنوان ستون فلکاهی، روزنامه‌ی صوراسرافیل که توسط علی اکبر دهفدا با امضای مستعار دُفو نوشته می‌شد.

چنگیز: نام اصلی وی تموچین بود. او در تمام عمر خود به غارت کشورها پرداخت و در سال ۶۲۴ درگذشت.

چین: کشوری است پهناور، در جنوب شرقی آسیا که از شهرهای مهمش می‌توان شانگ‌های، ویتین و ستن را نام برد حکومتش از سال ۱۹۴۹ کمونیستی است.

حافظ: فواحه شمس‌الدین ممد، متخلص و مشهور به حافظ در اوایل قرن هشتم هـ. ق در شیراز متولد شد و در ۷۹۱ هـ. ق وفات یافت، بسیاری از غزلیات او دارای معانی دقیق و بلند عرفانی است و بزرگ‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی است.

حسن مجتبی (ع): حسن بن علی بن ابی‌طالب دومین امام شیعیان مادرش فاطمه (س) دختر رسول خدا (ص) است. او پس از پدر به امامت رسید. امام حسن (ع) کریم اهل بیت نام گرفته است. مزار این امام شهید مسموم در قبرستان بقیع است.

حنین: نام منطقه‌ای است میان طائف و مکه. یکی از غزوات رسول خدا (ص) در آن مکان بود و در این جنگ مردم بسیاری از قبیله‌های مختلف جمع شده بودند. این غزوه یکی از غزوات بزرگ بود که جمع‌کنندگی از صابه در آن به شهادت رسیدند.

حافظی: افضل‌الدین بدیل حافظی ملقب به مسان‌العجم شاعر مشهور قرن ششم در قمیده‌سرایی صاحب سبک است. قوّت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

فسرو و شیرین: فسرو و شیرین داستان عاشقانه‌ای است که نظامی آن را در سال ۵۷۱ سروده است.

فسی در میقات: یکی از کتاب‌های نویسنده‌ی معاصر و معروف، جلال آل احمد است.

خلیلی، قلیل‌الله: شاعر توانای افغانستانی (۱۳۶۶ - ۱۲۸۶ ش) وی اولین کسی بود که در افغانستان با شیوه‌ی نیمایی شعر گفت؛ دخترهای شعر خلیلی که بیشتر حاوی وطنیات و اشعار بهادری و مقاومت اوست عبارتند از: ۱- اشک‌ها و فون‌ها ۲- شب‌های آوارگی ۳- بهار به فون نشستگان.

خمینی (ره): بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدروح‌الله موسوی خمینی در ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هـ ق در خمین به دنیا آمد و در ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ درگذشت. از آثار گران‌بهای امام خمینی که در اختیار مفاصل علمی است می‌توان به این‌ها اشاره کرد: تفسیر الوسیله، کتاب الصلوه، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الفل، کتاب البیع، مصباح‌الهدایه (شرح دعای سفر) و چهل حدیث برگزیده در افلاق و عرفان.

فوارزمشاه: ممد فوارزمشاه یکی از پادشاهان سلسله‌ی فوارزمشاهیان که در زمان او ایران به اوج قدرت رسید و در اثر بی‌کفایتی او مغول‌ها به ایران حمله کردند.

فیاض: حکیم ابوالفتح عمر فیاض فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم و شاعر ایرانی قرن ۵ و ۶ است که اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشگاه تهران: نخستین دانشگاه ایران که در سال ۱۳۱۳ ایجاد شد.

دانشور، سیمین: نویسنده‌ی معاصر و همسر زنده‌یاد جلال آل احمد می‌باشد. از آثار مشهور وی داستان «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» است.

دبیر سیاقی: ممد دبیرسیاقی یکی از استادان دانشگاه تهران بود و بیشتر آثارش در شاهکارهای ادب فارسی می‌باشد از جمله: شرح مقتضی از اشعار منوچهری دامغانی و عنصری بلخی.

دفو: نام مستعار استاد علی اکبر دهفدا است. با این نام یکی از جذاب‌ترین قسمت‌های روزنامه‌ی صو اسرافیل را که ستون فلکاهی آن بود، با عنوان «چرند و پرند» می‌نوشت.

در خدمت و فیانت روشن فکران: توسط نویسنده‌ی معاصر جلال آل احمد نوشته شده است. آل احمد این کتاب را در عین سفر خود به اروپا، شوروی و آمریکا و سفر حج نگاشته است.

دهفدا: علامه علی‌اکبر دهفدا به سال ۱۲۵۸ هـ. ش در تهران متولد شد و پس از آموختن علوم دینی و ادبی در مدرسه‌ی علوم سیاسی به تحصیل ادامه داد و به یاری دوستش «میرزا جهانگیرخان» روزنامه‌ی صو اسرافیل را منتشر کرد و کارهایش را با نام چرند و پرند و امضای دفو در روزنامه‌ی صو اسرافیل به چاپ رساند. وی به نوشتن لغت‌نامه نیز پرداخت و جزء آزادی‌فواهان شد و در سال ۱۳۳۴ هـ. ش. در تهران درگذشت.

رشید یاسمی: غلامرضا پسر ممد ولیخان کورانی مشهور به رشید یاسمی کرمانشاهی (و، ۱۲۷۵ هـ. ش، ف، ۱۳۳۰ هـ. ش.) از آثار او

تصحیح دیوان سلمان ساوجی، ابن یمین، دیوان مسعود سعد سلمان را می‌توان نام برد.

رضافان: رضافان پهلوی نخستین پادشاه سلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ هـ. ش) که پس از ۱۶ سال سلطنت در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ از سلطنت برکنار شد و در ۴ مرداد ۱۳۲۳ هـ. ش درگذشت.

رودکی: عبدالرحمن بن آدم رودکی به پدر شعر فارسی معروف است. او از کودکی نابینا بود و به سال ۳۲۹ هـ. ق در رودک وفات یافت. مهم‌ترین اثر منظوم وی کلیه و دمنه است.

زرین‌کوب: عبدالمسین زرین‌کوب محقق، مورخ و نویسنده‌ی بزرگ معاصر که در سال ۱۳۰۱ در بروجرد به دنیا آمد. از آثار مشهورش «نقد ادبی»، «باکاروان حله»، «بهر در کوزه»، «سرتنی»، «بامداد اسلام» و ... را می‌توان نام برد. وی در شهریور ۱۳۷۸ دار فانی را وداع گفت. **زهرای مرضیه (ع):** لقب حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر، همسر امیرالمؤمنین علی (ع) و سیده‌ی زنان جهان است. وی در عمر کوتاه خویش در نشر فرهنگ اسلام و دفاع از امامت، کوشش‌های فراوان کرد. شهادت وی را هرود سه ماه پس از وفات پیامبر نوشته‌اند؛ مزار وی ناپیداست.

زین‌العابدین مراغه‌ای: ابراهیم بیک از آزادی‌خواهان معروف که در سال ۱۲۵۵ هـ. ق به دنیا آمد. از ۸ سالگی به مکتب رخت و در ۱۶ سالگی به همراهی پدر آمد و در ۲۰ سالگی به اردبیل رفت. سپس از ایران خارج شد و در آنجا بود که کتاب سیامت‌نامه‌ی ابراهیم بیک را جهت بیداری افکار و تقویت روح وطن‌پرستی نوشت و بدون ذکر نام خود منتشر کرد. این کتاب در واقع دایرة‌المعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن ۱۳ است.

سامانیان: خاندان ایرانی که در خراسان و ماوراءالنهر و بخشی از ایران مرکزی از سال (۲۶۱ هـ. ق) تا (۳۸۹ هـ. ق) حکومت کردند.

سپاد (ع): علی بین حسین بن ابی‌طالب، ملقب به زین‌العابدین، امام چهارم شیعیان (۹۴ - ۳۸ هـ) ولادت و شهادتش در مدینه اتفاق افتاد. صیغه‌ی سپادیه‌ی ایشان سرشار از مضامین تربیتی، اخلاقی و اجتماعی است که در قالب دعا مطرح شده است.

سعدی شیرازی: مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله نویسنده و گوینده‌ی قرن هفتم. وی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به تعلم مشغول شد. وی سفرهای بسیاری کرد و در زمان سلطان اتابک ابوبکر بن سعد زنگی (۶۶۸ - ۶۲۳) به شیراز بازگشت و به تصنیف سعدی‌نامه یا بوستان و گلستان پرداخت. علاوه بر این قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه در کلیات وی جمع شده است. وفات وی بین سال‌های ۶۹۱ و ۶۹۴ در شیراز اتفاق افتاد.

سلیمان (ع): حضرت سلیمان در ۱۳ سالگی جانشین پدرش، داود (ع) شد. با نیروی فراادیش از قبیل تفسیر نیروی بار، نیروی بنیان و شیاطین و ... بناهای عظیمی چون بیت‌المقدس را ساخت. قبر ایشان نزد قبر پدرش در بیت‌المقدس است.

سنایی: ابوالمجد مہرود بن آدم از شاعران قرن ششم و اهل غزنین است. از آثار اوست «مدیقة البقیه»، «طریق التفتیق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ». آرامگاه وی در غزنین زیارتگاه عام و خاص است.

سند: رود بزرگ که از دره‌ی میان هیمالایا و قره‌قورم سرچشمه می‌گیرد و از دره‌ی تاریخی میان هند و افغانستان می‌گذرد و به دریای عمان می‌ریزد.

سهراب سپهری: شاعر و نقاش مشهور معاصر (۱۳۵۹ - ۱۳۰۷ ش) در کاشان دیده به جهان گشود. کتاب‌های او شامل ۶ شعر و ۲ منظومه‌ی بلند است (مشهور به هشت کتاب): ۱- مرک رنگ ۲- زندگی خواب‌ها ۳- آواز آفتاب ۴- شرق اندوه ۵- صدای پای آب ۶- ما هیچ، ما نگاه ۷- مسافر ۸- مهم سبز.

سیفون: سیفون یا سیر رودی است در آسیای مرکزی که از ارتفاعات شرقی ایران سرچشمه می‌گیرد.

شاه عبدالعظیم: عبدالله بن علی از بزرگان آل علی معاصر امام مومنتقی (ع) مقبره‌ی وی در شهر ری زیارتگاه مردم است.

شاهنامه: فردوسی در سال ۳۷۱ - ۳۷۰ اقدام به نظم شاهنامه کرد. مآخذ فردوسی عبارت بود از شاهنامه‌ی منشور ابومنصوری و بعضی روایات مکتوب. شاهنامه دارای ۶۰۰۰۰ بیت و ۳ دوره است: ۱- دوره‌ی اساطیری: از عهد کیومرث تا ظهور فریدون ۲- دوره‌ی پهلوانی: از قیام کاوه تا قتل رسم ۳- دوره‌ی تاریخی: از اواخر عهد کیانیان به بعد.

شفیعی کدکنی: دکتر ممد رضا شفیی کدکنی شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ ش در کدکن نیشابور به دنیا آمد. از مهم‌ترین مجموعه‌های شعر او می‌توان به «شبفوانی»، «از زبان برگ»، «در کوچه‌باغ‌های نیشابور»، «از بوردن و سرودن» و «بوی بوی مولیان» اشاره کرد. «صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «تصنیع و توضیح اسرارالتوفید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست. سرودهای او ساده، روان و بسیار استوار است.

شبستری، شیخ ممدود: شیخ ممدود ملقب به سعدالدین، در قصبه‌ی شبستر، در هفت فرسنگی تبریز متولد شد. از تاریخ زندگی او اطلاع وسیعی در دست نیست و ظاهراً سراسر عمر را بر خلاف زمانه‌ی آشفته و عصر بر آشوب فویش به آرامش و سکون بدون حادثه‌ی مهمی در تبریز با در نزدیکی آن به سر برده است و در همان‌جا در سال ۷۲۰ ه. وفات یافته است. از وی تألیفات بسیاری باقی نمانده لیکن مثنوی «گلشن راز» از بهترین و جامع‌ترین رسالاتی است که در اصول و معانی تصوف به رشته‌ی نظم در آورده است.

صائب: میرزا ممدعلی بن میرزا عبدالریم تبریزی معروف به صائب. وی در سال ۱۰۳۶ به عزم سفر هند از اصفهان خارج شد. مجموعه‌ی اشعار صائب تبریزی قریب ۱۲۰ هزار بیت است. کلیات وی سفینه‌ای مملو از مواعظ و آداب و گنجی پر از حکمت و امثال است. وی از شاعران مشهور سبک هندی بود.

صبوری: ممد کاظم صبوری شاعر ایرانی متولد مشهد در سال ۱۲۵۹ است که در سال ۱۳۳۲ در همان‌جا وفات یافت. دیوان او مشتمل بر قصاید و غزلیات و قطعات است. وی در قصیده‌سرایی ماهر بود. او پدر ملک‌الشعرای بهار است.

صفویه: منسوب به صفی‌الدین اردبیلی سلسله‌ای که در ایران از سال ۹۰۷ هـ.ق تا سال ۱۱۴۸ هـ.ق سلطنت کرده است.

صفیه: دختر عبدالمطلب بن هاشمی قریشی از عمه‌های پیغمبر.

صور اسرافیل: روزنامه‌ای که میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل به کمک دهفرا در سال ۱۳۲۵ در تهران منتشر کرد.

عاتکه: دختر عبدالمطلب، جد پیغمبر (ص)، وی از بزرگان قریش بود و شعر نیز می‌سرود.

عارف قزوینی: شاعر، میرزا ابوالقاسم معروف به عارف قزوینی. در سال ۱۲۶۲ هـ.ش. در قزوین به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۲ هـ.ش. در همدان وفات یافت. در انقلاب مشروطیت با مردم بود و خواسته‌های مردم را در قالب شعر بیان می‌کرد. او اشعار دیگری نیز سروده است.

عباس: ابن عبدالمطلب، جد بنی عباس و عمّ ممد رسول الله (ص) مردی نیکوکار و استوار اندیشه بود و برای آزادی بردگان اشتیاق وافری داشت. وی سقایی قحاج و آبادی مسجدالمرام را به عهده داشت.

عبدالملکیان، ممد رضا: متولد سال ۱۳۳۱ در شهر نهاوند. وی مهندس کشاورزی است و شعرهای نو و سپیدش مشهور است. از سال‌های قبل از انقلاب با مطبوعات همکاری داشته است. از آثار او «ریشه در ابر» و «مجموعه‌ی شعر و رباعی امروز» منتشر شده است.

عبید رجب: شاعر معاصر تاجیک که شعر مشهور او «تا هست عالمی، تا هست آدمی» می‌باشد که در آن زبان نیکان خویش را در قالب شعر نیمایی ستوده است.

عبید زاکانی: شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم. وی از مردم قزوین بود. عبید مدّتی در شیراز و مدّتی هم در تبریز و بغداد زیر حمایت سلطان اویس جلایر زندگی کرده است. از آثار او می‌توان: «دیوان اشعار»، «ریش‌نامه»، «افلاق‌الاشراف»، «رساله‌ی دلکشا»، «رساله‌ی صد پند»، «موش و کربه» و «خال‌نامه» را نام برد.

عشقی: ممد رضا میرزاده عشقی (۱۳۰۳ - ۱۲۷۲ هـ.ش) شاعر باذوق و دارای احساسات وطن‌پرستی بود. وی روزنامه‌ی قرن بیستم را که حاوی اشعار تند ضدّ هیئت حاکمه بود در تهران انتشار داد و به همین سبب به دست دو تن کشته شد و او را در ابن‌بابویه به خاک سپردند. از آثار معروف او «تابلوهای ابره‌آل» و «گفن سیاه» می‌باشد.

عنصری: ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی، شاعر ایرانی، مولد او شهر بلخ بود و چنان‌که از اشعار او معلوم می‌شود اطلاعاتش تنها

منمصر به ادب نبود بلکه مخصوصاً از علوم اوایل که در قرن چهارم در فراسان رایج بود، اطلاعات کافی داشته است. عنصری دارای دیوانی است که قریب سه هزار بیت داشته است اما آن چه فعلاً در دسترس است بیش از دو هزار بیت می‌باشد. او منظومه‌هایی به نام‌های: «شادبهر»، «عین‌الحیاء»، «وامق و عزرا»، «شنگ‌بت» و «سرخ‌بت» دارد. وی در سال ۴۳۱ هـ قی وفات یافت.

عیشی، صدرالدین: نامورترین چهره و در واقع بنیان‌گذار ادبیات و فرهنگ تاجیکستان بود. وی در ولایت بغارا دیده به جهان گشود. آثار او: «نمونه‌ی ادبیات تاجیک»، «ملادران بغارا»، «سرگزشت تاجیک کم‌بین»، «یادداشت‌ها».

فاطمه بنت اسد: دختر اسد بن هاشم بن عبدمناف هاشمی، مادر علی (ع) و برادرانش. گویند پیش از هجرت به مدینه آمد و در آن‌جا از دنیا رفت.

فرقی سیستانی: علی ابن جولوج مشهور به ابوالحسن از قصیده‌سرایان بزرگ اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ است. در سال ۴۲۹ پراغ عمرش شاموش شد.

فرقی یزدی: میرزا ممد شاعر و آزادی‌فواه در سال ۱۲۶۴ هـ. ش. متولد شد. او مردی مبارز، منتقد و بی‌باک بود. از آثار مهم او انتشار روزنامه‌ی «طوفان» است. وفات او سال ۱۳۱۸ هـ. ش. بود.

فروزانفر: بریع‌الزمان فروزانفر، محقق، ادیب و شاعر معاصر در سال ۱۲۷۶ هـ. ش. در بشرویه فراسان متولد شد. از مهم‌ترین آثار او مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی، اادیث مثنوی شریف، تصحیح کلیات شمس یا دیوان کبیر و فیه‌ما فیه مولانا را می‌توان نام برد. مجموعه‌ی اشعار او نیز چاپ شده است. وی در اردیبهشت سال ۱۳۴۹ در تهران درگذشت.

فرهاد: یکی از شفصیت‌های کتاب خسرو و شیرین نظامی است که عاشق شیرین دختر شاه ارمنستان می‌شود و جان خود را بر سر این عشق فدا می‌کند.

فسطاط: شهری از سرزمین مصر. این شهر امروزه بخشی از شهر قاهره است.

قَلّه: نام یکی از پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق واقع در بخش موسیان شهرستان دشت‌میشان که سکنه‌ی آن مرزداران و کارکنان کمرک‌اند.

فلسطین: در کناره‌ی شرقی دریای مدیترانه و در فاومیه واقع است. با کشورهای لبنان، سوریه، اردن و مصر همسایه است و پایتخت آن بیت‌المقدس که زیارتگاه مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است.

قزوه، علی‌رضا؛ شاعر و نویسنده‌ی معاصر در سال ۱۳۴۲ ه. ش. به دنیا آمد. از تألیفات وی می‌توان سفرنامه‌ی هیچ «پرستو در قاف» را نام برد.

قندهار: ایالتی است در افغانستان واقع در جنوب شرقی آن کشور، سر راه هندوستان.

کاظمین: شهری است در عراق مجاور کشور ایران، در یک فرسنگی بغداد که آرامگاه امام موسی کاظم (ع) و امام ممدتقی (ع) در آن‌جا است.

کربلا: یکی از شهرهای کشور عراق واقع در کنار رودخانه‌ی فرات. این شهر تا سال (۶۱ ه. ق) بیابان بوده است. از این زمان به بعد بر اثر شهادت امام حسین (ع) در آن محلّ به تدریج مورد توجه شیعیان آل علی قرار گرفته است.

کلکته: شهر و بندر معروف هندوستان در کنار فلپج بنگال که مرکز بزرگ هند است.

کلیله و دمنه: مجموعه‌ی داستان‌هایی از زبان حیوانات که در عهد ساسانیان از زبان سانسکریت به پهلوی نقل شده است. بعد از عملی اعراب عبدالله ابن مقفع آن را به عربی ترجمه کرد و سپس از روی همان ترجمه به وسیله‌ی رودکی به شعر پارسی در آمد و آن‌گاه در اوایل قرن ششم یک بار دیگر با نثر منشیانه‌ی بلیغ ترجمه‌ی دیگری از آن به زبان پارسی ترتیب یافت که به کلیله و دمنه‌ی بهرام‌شاهی معروف است و به دست ابوالمعالی نصرالله بن ممد عبدالحمید منشی معروف به نصرالله منشی صورت گرفته است.

کمدی الهی: اثر مشهور دانتی شاعر بزرگ ایتالیایی (۱۲۶۵ - ۱۳۲۱) است.

کوپه: فرانسوا کوپه شاعر و درام‌نویس فرانسوی (۱۹۰۸ - ۱۸۴۲) از آثار وی می‌توان «عابر»، «برای تاج»، «صمیمیت‌ها»، «دختر سرخ» و «فروستان» را نام برد که شهرت بیشتری دارند.

کوفه: شهری است در کشور عراق نزدیک مرز ایران که چند ماه، پس از بصره به دست سعد وقاص در کنار فرات بنا شد. شهر کوفه نزد شیعیان مقامی ارجمند دارد. زیرا علی بن ابی‌طالب (ع) آن را مرکز خلافت خود قرار داد و همان‌جا به شهادت رسید.

گلاندی: رهبر و پیشوای سیاسی و افلاقی هند (۱۹۴۸ - ۱۸۶۹) که با مبارزات خود موجب استقلال هندوستان را فراهم کرد.

گلرفسار: صفیه گلرفسار مشهورترین زن شاعر معاصر تاجیک است او سرودن شعر را از پانزده سالگی آغاز کرده و تاکنون چندین مجموعه از شعرهایش را به چاپ رسانیده است که از آن جمله «بنفشه»، «خانه‌ی پدر» و «بنیاد دل» است.

گلستان: یکی از آثار سعدی شیرازی است. وی آن را در سال ۶۵۶ به نثر مسجع نوشته است که مشتمل بر حکایت آموزنده است.

گلشن راز: منظومه‌ی فارسی، سروده‌ی شیخ ممدود شبستری شامل ۹۹۳ بیت است. وی این کتاب را در جواب سوالات میر سید حسینی هروی راجع به اصطلاحات تصوف تصنیف نموده است.

گوته: یوهان ولفگانگ گوته در سال ۱۷۴۹ در کشور آلمان چشم به جهان گشود. وی نویسنده و شاعر نامدار آلمان و خالق «فاوست» و «دیوان شرقی و غربی» و چندین شاهکار بزرگ دیگر است که پس از یک عمر نویسندگی در سال ۱۸۳۲ درگذشت. او ارادت زیادی به حافظ داشت.

لیلی و مینون: مثنوی لیلی و مینون داستان عاشقانه‌ای که حکیم ابوالمعمد الیاس ابن یوسف مشهور به نظامی شاعر معروف ایران در قرن ۶ هـ. ق به نظم کشیده است.

ماوراءالنهر: سرزمینی در شمال رود جیخون است که بین دو رود سیحون و جیخون قرار دارد و شامل بخارا و سمرقند است. ماوراءالنهر مدت ۵ قرن بزرگ‌ترین مهر تمدن اسلامی ایران بوده است.

مفزن الاسرار: مثنوی مفزن الاسرار از نظامی و در حدود ۲۲۶۰ بیت مشتمل بر ۲۰ مقاله در اخلاق و مواعظ و علم است که در حدود سال ۵۷۰ به اتمام رسید.

مدیرترانه: دریایی که بین ۳ قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا واقع است. دریای مدیرترانه از طریق تنگه‌ی جبل الطارق به اقیانوس اطلس راه دارد.

مدرینه‌ی طیبه: دومین شهر مقدس مسلمانان است که قبل از هجرت پیامبر یشرب نام داشت.

مشهد: مرکز استان خراسان است. امام رضا (ع) پس از شهادت در این شهر مدفون گشت و به این دلیل این شهر را مشهد رضا (مملّ شهادت رضا) یا مشهد می‌فوانند.

مصر: کشور مصر در شمال آفریقا و در کنار دریای سرخ و مدیرترانه است. مراکز سیاسی و باستانی آن عبارت است از اهرام سه‌گانه و مجسمه‌ی ابوالهول.

مظفرالدین شاه: مظفرالدین میرزا پسر چهارم ناصرالدین شاه قاجار در سنّ ۵ سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و در سنّ ۴۵ سالگی به سلطنت رسید. ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۴ هـ. ق قانون اساسی را امضا کرد و ۵ روز بعد در تهران درگذشت.

مسجد گوهرشاد: مسجدی در مشهد که در جنوب حرم امام رضا (ع) بنا شده است.

مشیری، فریدون: شاعر معاصر که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. برخی از آثار او عبارتند از: «آه، باران»، «بهار را باور کن»، «مروارید مهر»، «پرواز با خورشید»، «ابر» و ...

ملک‌دار شمس تبریزی: مردی عالم و فاضل و دانشمندی عالی‌قدر بود. از معارف اسلامی و دقایق عرفان و تصوّف و فصایح احوال و منازل سالکان این راه به فوپی آگاهی داشت. او از مراحل ظاهری گذشت و از این آشیانه‌ها پرواز کرده. شاهباز خوش‌شکار آسمان‌گیر اوج حقّ و حقیقت شده بود. با تهرّ از علایق دنیوی دل‌کنده. روزگار را به سیر آفاق و انفس می‌گذرانید. وقتی به سال ۶۴۲ به قونیه وارد شد مولوی مجنوب او گریه و درس و بحث و وعظ را رها کرد و تمولی عظیم در مال او به‌ویود آمد.

منوچهری: ابوالنعم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از جمله‌ی شاعران طراز اول ایران در نیمه‌ی اول قرن ۵ است. او در وصف طبیعت و آوردن تشبیه و استعاره‌های بدیع پیره‌دست بود.

موش و گربه: مثنوی کوچکی است مشتمل بر ۱۷۴ بیت از عبید زاکانی شاعر قرن هشتم هجری. موضوع این مثنوی داستان گربه‌ای است که با تظاهر به عبادت، موش‌ها را به جنگ می‌آورد و بر اثر این تباوز بین سپاهیان موش و گربه نبرد سختی در می‌گیرد که به پیروزی موش‌ها ختم می‌شود.

مولوی: جلال‌الدین مومّ در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هـ. ق در شهر بلخ به دنیا آمد و در پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هـ. ق وفات یافت. از مولانا نوشته‌ها و سروده‌هایی به جای مانده است که از آثار جاودانی و ممتاز ادبیات عرفانی به شمار می‌آیند. از آن میان، مثنوی معنوی و غزلیات وی است که به «دیوان شمس معروف است. دیگر آثار او عبارتند از: «مکتوبات»، «مبالس سبعه» و «غیه‌ماغیه».

ناصر فسرّو: حکیم ابو معین ناصر بن فسرّو بن حارث قبادیانی بلخی مروزی ملقب و متخلص به «مقت». از حکما و شاعران قوی طبع و از حمیده‌سرایان گران‌قدر زبان فارسی است. از آثار او است: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «جامع‌الکلماتین»، «خوان‌خوان» و ...

نسیم شمال: نام روزنامه‌ای است که سید اشرف‌الدین حسینی کیلانی در سال ۱۹۰۷ م. تأسیس کرد و تا سال ۱۹۱۱ م. چاپ رسید.

نصّاب‌المصّبان: منظومه‌ای از ابونصر فراهی در سال ۶۱۰ هـ. تألیف شد که در آن لغات متداول عربی را با معادل فارسی آن‌ها در بره‌های مختلف به نظم درآورده است. این کتاب جزو کتاب‌های درسی طلاب بوده است.

نظامی گنجوی: ابیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید ملقب به نصرالدین و مکنی به ابو حامد معروف به حکیم نظامی گنجوی از اعظم شعرای فارسی زبان است. وی به سال ۵۳۰ هـ. ق در گنجه به دنیا آمد و نزدیک به سال ۶۱۴ هـ. ق درگذشت. مدفن او در گنجه است. از مهم‌ترین آثار نظامی می‌توان از پنج گنج شامل: «مقزّن‌الاسرار»، «فسرّو و شیرین»، «لیلی و منون»، «هفت پیکر» و «اسکندرنامه» نام برد.

نوبل: شیمیدان و مخترع سوئدی که در سال ۱۸۳۲ در شهر استکهلم متولد شد. او دینامیت را اختراع کرد. وی کلیه‌ی ثروت خود را صرف پرداخت جایزه‌ی سالانه به کسانی کرد که در زمینه‌های علم، ادبیات و صلح جهانی خدماتی انجام داده‌اند.

نیمّا: علی اسفندیاری متخلص به نیمّا یوشیج فرزند ابراهیم در سال ۱۳۱۵ هـ. ق در دهکده‌ی یوش از توابع نور مازندران متولد شد. استاد او در شعر «نظام وفا» بود و مهم‌ترین اثرش «افسانه‌ی نیمّا» است. او در سال ۱۳۳۸ بر اثر بیماری ذات‌الریه از دنیا رفت.

ویسه (پیران): وزیر خردمند افراسیاب تورانی بود.

هفت پیکر: مثنوی هفت پیکر از جمله آثار مشهور نظامی گنجوی است که آن را بهرام‌نامه و هفت‌گنبد نیز خوانده‌اند که دارای ۵۱۳۶ بیت است. سرگذشت بهرام‌گور و شرح زندگی او با هفت دفتر از شاهزادگان هفت اقلیم در آن منظومه است.

یوسفی غلام‌مسین: پژوهشگر، نویسنده و استاد برجسته‌ی دانشگاه در سال ۱۳۰۶ ش. در مشهور متولد شد. او با نثری روان، پخته، جذاب و عمیق آثاری بزرگ از جمله: «دیداری با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش باد، چشمه‌ی روشن، تصحیح بوستان و گلستان سعدی و ...» را رقم زد. این نویسنده‌ی بزرگ در چهارم آذر ماه ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و در کنار مرادش حضرت رضا (ع) به خاک سپرده شد.

تاریخ ادبیات سال دوم

انصاری، فواحه عبدا...: ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات عارف قرن پنجم است و در سال ۷۸۱ ه. ق. در هرات درگذشت. آثار او «الهی نامه»، «زادالعارفین»، «مناجات نامه» و «رساله‌ی دل و جهان» می‌باشد.

بهجت تبریزی، مظهر حسین: (۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ تبریز) متخلص به شهریار و غزل‌سرای معاصر است. آثار او منظومه‌ی «حیر بابا» به سلام و کلیات اشعار می‌باشد.

بازل مشعری: (۱۱۲۴ م.) شاعر حمله‌ی فیدری است که شرح حال جنگ‌های پیامبر و حضرت علی (ع) تا لفظه‌ی شهادت ایشان است.

بچه‌های آسمان: فیلم‌نامه‌ای است نوشته‌ی مجید مجیدی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس معاصر.

جمال زاده، مظهر علی: در سال (۱۳۷۶ - ۱۲۷۴ ه. ش.) در اصفهان به دنیا آمد و برای تحصیل به بیروت و سپس به پاریس رفت. وی نخستین کتاب داستان‌های کوتاه ایرانی به عنوان «یکی بود یکی نبود» را در سال ۱۳۰۰ منتشر کرد. وی پدر داستان‌نویسی ایرانی است. آثار او «دارالمبائین»، «سروته یک کرباس»، «تلخ و شیرین»، «هفت کشور»، «شورآباد»، «راه آب‌نامه»، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار» و «قصه‌ی ما به سر رسید» می‌باشد.

بزرگ علوی: (۱۳۷۵ - ۱۲۸۲) از نخستین تحصیل کرده‌های آلمان بود. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نوشته‌های او اجازه‌ی انتشار نیافت. آثار او «هش‌هائیش»، «همدران»، «میرزا» و «سالاری‌ها» می‌باشند.

دانشور، سیمین: متولد ۱۳۰۰ در شیراز و همسر جلال آل احمد می‌باشد. آثار او «آتش خاموش» و «سووشون» می‌باشد.

بیهراستو، هریت: (۱۸۹۶ - ۱۸۱۱ م.) او در ایالت کنتاکی آمریکا به دنیا آمد. او نویسنده‌ی «کلبه‌ی عمو تم» است که در سال ۱۸۵۲ منتشر شد.

پابلو نرودا: (۱۹۷۳ - ۱۹۰۴ م.) شاعر «انگیزه‌ی نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» و اهل شیلی است.

جبرا ابراهیم جبرا: سراینده‌ی شعر «در بیابان‌های تبعید» در سال ۱۹۳۶ در ناصره چشم به جهان گشود و تفصیلات مقدماتی خود را در فلسطین و دوره‌های عالی را در دانشگاه کمبریج و هاروارد به پایان رساند.

درویش، محمود: متولد ۱۹۴۱ در فلسطین اشغالی می‌باشد. وی را شاعر مقاومت می‌دانند چون جز برای فلسطین شعر نسوده است. یکی از شعرهای او «از یک انسان» می‌باشد.

ویکتور هوگو: (۱۸۵۵ - ۱۸۰۲ م.) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. از ده سالگی شعر گفت و در ۲۵ سالگی شاعری سرشناس بود و عضو فرهنگستان فرانسه و نماینده‌ی مجلس نیز بود. وی به دلیل مخالفت با ناپلئون سوم بیست سال از زندگی خود را در تبعید به سر برد. مهم‌ترین آثار او: «بینوایان»، «کوژپشت نتردام»، «کارگران دریا» و «مردی که می‌فندد».

آندره ژید: (۱۹۵۱ - ۱۸۶۹ م.) نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی، خالق «مآثره‌های زمینی» و برنده جایزه‌ی نوبل ادبی است.

سنایی: از شاعران قرن ششم و صاحب آثار «مدیقه‌المقیقه»، «سیرالعبار الی المعاد» و «کارنامه بلخ» است. وی اولین کسی است که افکار عرفانی را با مضامین عاشقانه درهم آمیخت.

غیه مافیه: از آثار مشهور مولانا جلال‌الدین بلخی (۶۷۲ - ۶۸۴ ق.) و در بردارنده‌ی سخنان مولانا در مجالسش می‌باشد.

صناعی، محمود: متولد ۱۲۹۱ ارک و متوفی در ۱۳۶۴ در لندن در رشته‌های فلسفه، علوم تربیتی، ادبیات فارسی، زبان فارجه، حقوق و روان‌شناسی تخصص داشت. کتاب «آزادی و تربیت» اثر اوست.

اسلامی ندوشن، محمدعلی: در سال ۱۳۰۴ ه. ش. در ندوشن متولد شد وی شاعر و محقق بود. آثار او «جام جهان‌بین»، «آوارها و ایماها»، «صفیر سمیرغ» و «روزها» می‌باشد.

وهرانی، عبدالحمید: نویسنده‌ی معاصر که نوشته‌ی وی در میله‌ی یغما و سپس در مجموعه‌ی «داستان عمو غلام» به چاپ رسیده است.

رفیع، جلال: نویسنده‌ی و روزنامه‌نگار، آثار او «فرهنگ معایم»، «فرهنگ مولد» و «در بهشت شداد» می‌باشد.

افغان ثالث، مهدی: شاعر معاصر و متولد ۱۳۰۷ در مشهر به دنیا آمد و در شهریور ۶۹ درگذشت. آثار او «ارغنون»، «زمستان»، «آفر شاهنامه»، «از این اوستا»، «در حیاط کوچک پائیز در زندان» می‌باشد.

صفارزاده، طاهره: شاعر معاصر در سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. آثار او «رهگذر مهتاب»، «طنین در دلتا»، «سر و بازوان»، «سفر پنجم»، «بیعت با بیداری» و «بیدار صبح» می‌باشند. وی از شافص‌ترین شاعران مذهبی قبل از انقلاب است.

شفیعی کرکنتی، محمدرضا: شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر در سال ۱۳۱۸ در کدکن نیشابور به دنیا آمد. از آثار او «شفوانی»، «از زبان برگ»، «در کوچه باغ‌های نیشابور»، «از بودن و سرودن»، «مثل درخت در شب باران» و «بوی جوی مولیان» می‌باشد.

«صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «تصنیع و توضیح اسرارالتوفید» نمونه‌هایی از آثار پژوهشی اوست.

موسوی گرمارودی، علی: متولد ۱۳۲۰ و آثار او «سرود رکبار»، «عبور»، «در سایه سار نقل ولایت»، «چمن لاله»، «قط خون تا ناکجا و» (دستپین) می‌باشد.

رهی معیری، محمدحسن: از غزل‌سرایان (۱۳۴۷ - ۱۲۸۸ ش.) معاصر است و به پیروی سعدی غزل گفته است. اثر وی «سایه‌ی عمر» است.

ابتهاج، هوشنگ: شاعر معاصر در سال ۱۳۰۶ در رشت متولد شد و از سال ۱۳۲۲ به شعر اجتماعی روی آورد. آثار او «نفس‌تین نغمه‌ها»، «سراب»، «سیاه مشق» و «شبگیر».

ابن بطوطه: (۷۷۹ - ۷۰۳ ه. ق.) عالم و جهانگرد مشهور در ۲۲ سالگی از مراکش به قصد زیارت فانه‌ی خدا خارج شد. وی سی سال سفر کرد و در سال ۷۵۴ به مراکش بازگشت و سفرنامه او به نام «رحله‌ی ابن بطوطه» یا «تفه النظار و غرایب الامصار» ثبت شد.

پیرلوتی: (۱۹۲۳ - ۱۸۵۰) جهانگرد فرانسوی مولف سفرنامه‌ی «به سوی اصفهان» با ترجمه‌ی بدرالدین کتابی است.

صنیع الدوله، ممد حسن: ملقب به اعتمادالسلطنه وزیر ناصرالدین شاه بود و در سال ۱۳۱۳ فوت کرد. آثار او «مراه‌البلدان»، «مطلع الشمس»، «خبرات‌الفسان»، «المآثر و الآثار» و «منتظم ناصری» اشاره کرد.

حسین، طه: (۱۹۷۳ - ۱۸۸۹) ادیب و پژوهشگر مصری در سه سالگی نابینا شد ولی با پشتکار مدارج عالی را طی کرد. کتاب «الایام» او را شاروان حسین خدیویم با نام «آن روزها» به زبان فارسی ترجمه کرد.

سعر سلمان، مسعود: (۵۱ - ۴۴۰) بیشتر عمر خود را در هند بسر برد و در دستگاه غزنویان منزلت یافت ولی سپس در قلعه‌های «دهک»، «سو»، «نای» و «مرنج» زندانی شد. کتاب حبسیات سروده‌های وی در زندان است.

شریعت رضوی، پوران: همسر دکتر علی شریعتی و نویسنده‌ی کتاب «طریقی از یک زندگی» درباره‌ی زندگی و افکار همسرش می‌باشد.

زینب النساء: متفلس به مفی (۱۱۱۳ - ۱۰۴۸) از زنان شاعر هند است. وی در سرودن شعر بیشتر از عرفی شیرازی پیروی می‌کرد.

کاظمی، ممد کاظم: متولد ۱۳۴۶ شاعر معاصر افغانی است.

فتلانی، اسکندر: متولد ۱۹۵۴ در کولاب است و از شاعران تاییک می‌باشد.

آواز عشق

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست	ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟
ما به فلک بوده‌ایم، یارِ مَلک بوده‌ایم	باز همان جا رویم جمله، که آن شور ماست
فد ز فلک برتریم، وز مَلک افزون‌تریم	زین دو پرا نکریم؟ منزل ما کبریاست
بافت جوان یار ما، دادن جان کار ما	قافله سالار ما فخر جهان مصطفاست
از مه او مـه شلاخت، دین او بر نتافت	ماه چنان بفت یافت، او که کمینه گداست
بوی خوشِ این نسیم از شکن زلف اوست	شعشعه‌ای این خیال زان رخ چون «والضفا»ست
فلقِ چو مرغایان زاده ز درِ پای جان	کی کند این‌جا مقام مرغ کز آن بفر فاست؟
آمر مـوج آست، کشتیِ قالب بیست	باز چو کشتی شکست نوبت وصل ولفاست

فیام

آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو پیه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که کور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه کور بهرام گرفت
برفیز و مفور غم جهان گذران بنشین و دمی به شادمانی گذران
در طبع جهان اگر وفایی بودی نوبت به تو خود نیامدی از دگران
آنان که محیط فضل و آداب شدند در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون گفتند فسانه‌ای و در فواب شدند

پشت دریاها

قایقی فواهم سافت،
فواهم انداخت به آب
دور فواهم شد از این شک غریب
که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه‌ی عشق
قهومانان را بیدار کند.
قایق از تور تهی
و دل از آرزوی مروارید،
هم‌پنان فواهم راند
نه به آبی‌ها دل فواهم بست
نه به دریا — پریانی که سر از آب به در می‌آرند
و در آن تابش تنهایی ماهی‌گیران
می‌فشانند فسون از سر کیسوهاشان
هم‌پنان فواهم راند.
پشت دریاها شعری است
که در آن پنبه‌ها رو به تبلی باز است
بام‌ها جای کبوترهایی است
که به فواره‌ی هوش بشری می‌نگرند

دست هر کودک ده ساله ی شهر شافه ی معرفتی است

مردم شهر به یک پینه چنان می نگرند

که به یک شعله، به یک فواب لطیف

فاک موسیقی احساس تو را می شنود

و صدای پر مرغان اساطیر می آید در باد

پشت دریاها شعری است

که در آن وسعت فورشید به اندازهی پشمان سفرشیزان است

شاعران وارث آب و فرد و روشنی اند.

پشت دریاها شعری است

قایقی باید سافت،

شور عشق

عشق، شوری در نهاد ما نهاد	جان ما در بوته ی سودا نهاد
گفت و گویی در زبان ما فلندر	جست و جویی در درون ما نهاد
از مُستان جرعهای بر فاک ریفت	جنبشی در آدم و مَوا نهاد
دم به دم در هر لباسی رخ نمود	لمظه لمظه جای دیگر پا نهاد
پهون نبود او را معین خانه ای	هر کجا جا دید، رفت آن پا نهاد
حسن را بر دیره ی خود جلوه داد	منّتی بر عاشق شیدا نهاد
یک کرشمه کرد با خود، آن چنانک	فتنه ای در پیر و در بُرنا نهاد
تا تماشای جمال خود کند	نور خود در دیره ی بینا نهاد
تا کمال علم او ظاهر شود	این همه آسرار بر صبرا نهاد
شور و غوغایی بر آمد از جهان	حسن او پهون دست در یغما نهاد
پهون در آن غوغا عراقی را بدید	نام او سر دفتر غوغا نهاد

آزگار: زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل
آزآر: ماه اول بهار، از ماه‌های رومی است.

الف

ابدرال: جمع بَدَل یا بَدَل و بریل به معنی اولیاءالله؛ مردان خدا، نیک‌مردان
آبرش: اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد؛ در این‌جا مطلق اسب منظور است.

ادبار: پشت کردن، بدبختی

ادعیه: دعاها

آذگار: ذکرها، وردها

ارتبالاً: بدون اندیشه سفتن گفتن یا شعر سرودن، بی‌درنگ

استشاره: رای زدن، مشورت کردن.

استیصال: ناپاری، درماندگی

اسلمی: ممال اسلامی؛ از طرح‌های هنری، مرکب از پیچ‌وفهم‌های متعدد

اشباح: جمع شیخ، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده شود.

اشتلم: لاف زدن

اصبغت امیراً و امسیت اسیراً: بامداد امیر بودم و شبانگاه اسیر

اعاظم: بزرگان، بزرگ‌تران

اقلکار: آزرده، زخمی، خسته، مهروح

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

الماس پیکان: تیری که نوک آن سفت برنده و درفشان و چلا داده باشد.

امواج مافوق صوت: امواج فوق صوت؛ امواجی که فرکانس آن‌ها بالاتر از ۲۰۰۰۰ هرتس است و شنیده نمی‌شود.

امیرالأمرا: امیر امیران، فرمانده کل سپاه

اوراد: وردها، دعاها

ایار: از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است.

ب

بادی: آغاز، در اصل اسم فاعل از «بَدَّ» به معنی شروع‌کننده.

بارگی: اسب، «باره» نیز به همین معنی است.

باشد که: به آن امید که

بمبوه: میان، وسط

برسگال: برداشتن، برخواه، صفت فاعلی مرکب مرفّع، جانشین اسم

برهمن: پیشوای روحانی آیین برهمایی

بسمل کردن: سر جانور را بریدن؛ از آن‌جا که مسلمانان در وقت ذبح جانور «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گویند، به همین دلیل، به عمل ذبح «بسمل کردن» گفته می‌شود.

بقولات: جمع بقول و آن جمع بَقْل است به معنی سبزی و تره‌بار.

بلا معارضن: بی‌رقیب

بَلَعْتُ: آن را فرو بردم. «صیغه‌ی بلعت» چیزی را فورانیدن، آن را به خلق فرو بردن، آن را غلاف حق تصرف کردن و بالا کشیدن.

بَنان: انگشت

بهره: حقّ ماکل، قسمت صاحب زمین

پار: سال گذشته

پ

پتیاره: مهیب، زشت

پرت و پلا: بیهوده، بی‌معنی. به این نوع ترکیب‌ها که در آن‌ها لفظ دوم اغلب بی‌معنی است و برای تأکید لفظ اوّل می‌آید. «مرکّب اتباعی» با اتباع می‌گویند.

ت

تاس: کاسه‌ی مسی که با خود به حمام می‌برند.

تپق: گرفتگی زبان

ترقیع: بالا بردن.

ترگ: کلاه‌خود

تصنیف: نوعی شعر که با آهنگ موسیقی خوانده شود.

تعلّل: بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه جویی.

تغیّرات: جمع تغیر؛ درکون شدن، برآشتن، فشکین شدن.

تفتیش: بازرسی، بازجست، واپژوهیدن.

تفقّر: دل‌جویی

تقریر: بیان، بیان کردن.

تلطف: مهربانی کردن، نرمی کردن

تموز: ماه اول تابستان، از ماه‌های رومی است.

تنبوشه: لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار گذارند تا آب از آن عبور کند.

تنبّه: بیداری، آگاهی، هوشیاری

توتیا: اکسید طبیعی و نافالمن روی که مملول آن کندزدایی قوی است. در قدیم این اکسید را در جوش‌های بهاره و جوش‌های تراشمی به صورت گرد روی پلک‌ها می‌پاشیدند این ماده‌ی شفافش در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنائی چشم. توتیا را با سرمه که گرد نرم شده‌ی سولفور آهن یا نقره است و در قدیم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌ها به‌کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد. تورّم علمی: افزایش مداوم و بی‌رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها. تورّم غیرعلمی آن است که تورّم مثلاً براساس شایعات یا امور ممنوعی به‌وجود آید.

ج

جافی: جفاکننده، جفاکار

جانی: از سوی جان؛ این کلمه قید است و «بای» آن یای قیدساز یا یای جانشین تنوین است. این کلمه به‌جای کلمه‌ی غلط «جانا» به‌کار رفته است.

جبعه: پیشانی

جرز: دیوار اتاق و ایوان

جزمیت: قطعیت و یقین

جُوال: ظرفی از پشم بافته که پیزها در آن کنند.

چ

چلمن: کسی که زود فریب بخورد؛ نالایق و بی‌دست و پا

چوبه: تیری که از جنس چوب درنگ باشد.

ح

حازم: دوراندیش، هوشیار

حبب: شرم و حیا

حرب: آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، قنبر، نیزه و ...

حرز: دعایی که بر کاغذ نویسنده و با خود دارند. بازوبند، تعویذ

خ

خاییدن: جویدن، به دندان نرم کردن

خدرنگ: درختی است بسیار سفت که از چوب آن تیر و نیزه و زین اسب سازند.

خفایا: جع خفیه، به معنی نهان‌ها

فلنگ: نام گیاهی است؛ علف بارو

فیره‌فیره: بیهوده

>

دراویش: درویشان، امروزه جمع بستن کلمات فارسی در قالب‌های عربی جایز نیست.

درزی: شیاط

دستوری: رفعت، اجازه دادن.

دمدمه: در این‌جا به معنی نزدیک، درود، حوالی، در اصل به معنی با فشم سفن گفتن و آواز دادن است.

دُوری: بشقاب بزرگ و مقعر

دی: روز گذشته، دیروز

دیلایق: آدم قد دراز

ذ

ذرع: معادل ۱/۰۴ متر، کز

/

رفع کردن: شکایت کردن، درخواست کردن.

رقعه: قطعه‌ی کاغذی که روی آن می‌نویسند.

رمانتیک: داستانی، افسانه‌ای؛ اثری به سبک رمانتیسم

ز

زاغه: سوراخی است در کوه یا تپه یا بیابان که محلّ استراحت پاراپایان است، آغل

زهر: آزار، اذیت، شکنجه

زلّت: لغزش، خطا

س

ستوه: درمانده و ملول

سحاب: ابر

سعایت: سفن‌چینی

سفاهت: بی‌فردی، کم‌عقلی

سماط: سفره

سندروس: سمغی است زرد رنگ که روغن کمان از آن می‌گرفته‌اند. در درس فقط زردی آن منظور است.

سنگ سماق: سنگی سفت و متمایل به صورتی یا سبز است و چون مقاومت و سفتی زیادی دارد، در ستون‌های سنگی ساختمان‌ها و برای ساختن سنگ آسیاب از آن استفاده می‌شود.

سوفار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که چله‌ی کمان را در آن بند کنند.

سوم: ترس

ش

شفیص: بزرگ و ارجمند

شکو^۳: شگون؛ میمنت، فستکی، چیزی را به خال نیک گرفتن.

شولا: خرقة، خرقة‌ی درویشان

ص

صبا: باد خنک و لطیفی که از جانب شمال شرق می‌وزد؛ صبا نماد پیام‌رسانی است.

صبوح: در این‌جا یعنی آن‌چه باعث سرفوشی و نیروی معنوی فرد شود.

صلا زدن: آواز دادن، صدا کردن.

صلوات: جمع صلوات، به معنی رحمت و بخشایش حق تعالی، درودها

صورت شد: روشن شد.

صولت: هیبت

ض

ضمیر: باطن

ضیاع: جمع ضیعت؛ زمین زراعتی، دارایی

ط

طارمی: نرده‌ی چوبی یا آهنی که اطراف موطه یا باغی نصب کنند.

طالع: برآینده، طلوع‌کننده، فال، بخت، اقبال

طلمسم: اصلاً یونانی است به معنی نقش‌ها و دهایی که به وسیله‌ی آن کار خارق عادت انجام دهند. طلمسم کسی را شکستن؛ مشکل کسی را که دیگران از حلّ آن عاجزند برطرف کردن.

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

ع

عاریه: آن‌چه کسی از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس از رفع نیاز آن را پس دهند.

عامل: ماکم، والی

عروج: به بلندی رفتن، بالا آمدن

عقار: آب و زمین

عنود: ستیزه‌کار

غ

غره: مغرور، کول‌خورده.

غفنفر: شیر

غلیان: جوشش، جوش و فروش

ف

فتوح: گشایش حاصل شدن چیزی پیش از حد انتظار

ق

قاب: آسمانه و قوس بنا از طرف داخل که آن را از چوب می‌سازند.

قابوچی: دربان، لغتی ترکی است.

قرج: کاسه

قلیه: نوعی فوراک از گوشت که آن را در تاوه یا دیگ بریان می‌کنند.

قور: غراب کردن، پیره شدن، فشم، غضب

ک

کبریا: عظمت، بزرگی

کت: شانه

کتاب: جمع کاتب، نویسندگان؛ در این‌جا یعنی مکتب

کتل: تل بلند، پشته‌ی مرتفع

کشیک‌خانه: پاسدارخانه

کله: خیمه‌ای از پارچه‌ی تُنگ و لطیف که آن را هم‌چون خانه می‌دوزند؛ پشه‌بند، میله‌ی عروسی

کمیت: اسب سرخ مایل به سیاه

کوکب: ستاره

کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند؛ آلوئک، کپر، کلبه

گ

گبر: نوعی جامه‌ی جنگی، هفتان

گَوْن: گیاهی است از تیره‌ی سبزی آسها در قه‌ای مداکثر به ارتفاع یک متر و دارای خارهای بسیار است و غالباً به حالت فودرو و در نوامی کوهستانی و زمین‌های بایر می‌روید.

ل

لایه: تضرع، التماس، اظهار نیاز
لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک

م

مألف: الفت گرفته، اُنس گرفته
ماسوا: متفّ ماسوی الله؛ آنچه غیر از فراست، همه‌ی مفلوقات.
مافیها: آنچه در او (آن) است.
مایفتوی: آنچه درون چیزی است.
متراکم: برهم نشینده، روی هم جمع شده، گرد آینه.
متفرّعات: توابع، وابسته‌ها
مهرّد: غیر مادی، امری که روحانی ممض باشد، آنچه منزّه از ماده باشد مانند عقل و روح
مفزول: خوار، زیون گردیده
مفظوظ: بهره‌ور
مزلّت: فواری و بدبختی
مزموم: نکوهیده، زشت، مذمت شده.
مُسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب
مسیل: بایی که سیلاب از آن بگذرد؛ مثل عبور سیل، جای سیل‌گیر
مشعوف: شادمان
مصارده: توان گرفتن، جریمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن.
مفترّت: زیان، زیان رسیدن، گزند رسیدن
مفغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، جویدن
مظالم: متفّ مجلس مظالم؛ مجلسی که در آن به شکایت‌های مردم درباره‌ی ظلم‌هایی که بدان شده بود، رسیدگی می‌شد.
معاصی: گناهان، جمع معصیت
معهور: عهد شده، شناخته شده، معمول
مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم

مکایره: جمع مکیرت، مکرها، خدعه‌ها

ملتزمین: کسانی که در رکاب شاه یا بزرگی حرکت می‌کنند؛ همراهان

مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن

منموس: شوم، نامیمون، بد اختر

منکر: زشت، ناپسند

موفش: وحشت آور، ترسناک

مهیج: هیجان آور، برانگیزنده

میعار: جای وعده، وعده‌گاه، زمان وعده

مینا: آبکینه، شیشه

مینو: بهشت

ن

نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود.

و

وَقَات: جمع وفته، رفسار

وَدُود: بسیار مهربان، بسیار دوست دارنده، صفتی از صفات خدای تعالی است.

وُعَاط: جمع واعظ، پنددهنده، اندرزگوی

ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

ه

هَرَا: صدا و غوغا، آواز مهیب

هله: صوت تنبیه به معنی «آگاه‌باش».

هلیم: غذایی لذیذ که از گندم پوست‌کنده و گوشت می‌پزند. اصل این کلمه، هلام بوده و ممال شده است و نوشتن آن به صورت

«هلیم» نیز متداول است.

هَما: پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی خرفنده است و به همین دلیل، نماد سعادت

واقع شده است.

هیکل: اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از ستارگان می‌ساختند. (جمع هیکل)

هیمه: هیزم

ی

یوزبان: کسی که مأمور نگهداری و حفظ و تربیت یوزهای شکاری است.

فهرست نام‌های کسان، بای‌ها و کتاب‌ها

آذ۴: نخستین پدر آذمیان که با همسرش «موا» در بهشت زندگی می‌کردند و چون از میوه‌ای که خداوند خوردن آن را ممنوع کرده بود خوردند، از بهشت رانده شدند و به زمین آمدند.

آشور (آسور): سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن قرار داشته است.

آفریقا=اِفریقا: یکی از قاره‌ها که از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای هند محدود است.

آقا ممبرخان قاجار: مؤسس سلسله‌ای قاجاریه که با انقراض دولت زندیه به قدرت رسید.

آلب ارسلان: دومین پادشاه سلسله‌ی سلجوقی ایران که در قرن پنجم می‌زیست. وی قلمرو خود را تا حدود چین و روم گسترش داد و امپراتور روم را مغلوب و اسیر کرد.

آل احمد (بلال) (۱۳۴۸ - ۱۳۰۲): نویسنده‌ی مشهور ایرانی که از خانواده‌ی رومانی بود. آثار او شامل چهار دسته‌ی سفرنامه‌ها (مثل فسی در میقات)، داستان‌ها (مانند مدیر مدرسه)، مقالات (مانند غرب‌زدگی) و ترجمه‌ها (مثل قمارباز) است.

آمریکای لاتین: قسمت جنوبی قاره‌ی آمریکا شامل کشورهای کلمبیا، اکوادور، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی، ونزوئلا و کویان.

ادیب پیشاوری (۱۳۴۹ - ۱۲۶۰ ه. ق): سید احمد بن شهاب‌الدین پیشاوری ادیب و شاعر مشهور عصر خود بود. وی دوران زندگی‌اش را در تحصیل علم و ترکیه‌ی نفس سپری کرد. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

آدیسه: کتاب حماسی هومر، شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. از این کتاب می‌توان مجموعه‌ی آداب و افلاق یونانیان قدیم را دریافت.

اسرار التوفیر فی مقامات الشیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الفیر که ممبرین منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

اسکندرنامه: از مثنوی‌های نظامی کتبوی که شامل دو بخش شرف‌نامه و اقبال‌نامه است.

اسماعیل سامانی: اسماعیل بن نوح سامانی یکی از پادشاهان سامانی که در سال ۳۹۵ کشته شد.

اشتاین بک (جان): نویسنده‌ی آمریکایی قرن بیستم که در نوشته‌های خود، دقیق حالات زندگی مرمومان و رنج‌دیرگان را شرح داده است؛ بی‌آن‌که گفتارش ملال‌آور باشد. از آثار او می‌توان «مراجع بهشتی»، «فوشه‌های ششم»، «موش‌ها و آدم‌ها» را نام برد.

اشکبوس: پهلوانی کاشانی که به یاری اغراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته شد.

افغانستان: از کشورهای آسیای مرکزی که با ایران، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان همسایه است. مرکز حکومت افغانستان «کابل» است.

اقبال لاهوری (مممّد): شاعر و متفکر پاکستانی، آفرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قاره‌ی هندوستان است. او از متفکران پیشرو و اصلاح‌طلب و از موسسان کشور پاکستان بود.

الکساندر دوما (پدر): رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم. مجع آثار او بالغ بر سیمصد کتاب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان «سه تفنگدار» و «کنت مونت‌کریستو» را نام برد.

امیر ارسلان: قهرمان یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه‌ی فارسی که بسیار مورد توجه مردم بوده است. این داستان اثر نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین‌شاه است.

امین سلطان (امین‌السلطان): میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم از رجال دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بود که در چهار سال آخر حکومت وی سمت صدارت داشت.

ایلیاد: یکی از آثار حماسی هومر شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. این کتاب شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می‌رود.

بتوون (لودویگ فان): آهنگساز معروف آلمانی قرن هجدهم و نوزدهم (۱۸۲۷ — ۱۷۷۰ م.) است. آثار او و از جمله سمفونی‌هایش بر از اساسات عمیق و ماکلی از قدرت تعبیر اوست. بتوون در آخر قدرت شنوایی خود را از دست داد.

بهرین: مجمع‌الجزایری بین شبه جزیره‌ی قطر و خاک عربستان. بندر بزرگ آن «منامه» است.

بقارا: شهری مشهور در ماوراءالنهر، پایتخت سامانیان نیز بوده و امروز جزء جمهوری ازبکستان است.

بلخ: شهری بزرگ در فراسان قدیم و اکنون نام شهر کوچکی در شمال افغانستان است.

بیرس (تولد ۶۲۵): بیرس بن عبدالله در هجوم تاتار اسیر و به غلامی فروخته شد. امیر علاءالدین او را خرید و او در سایه‌ی همت و زیرکی به مرتبه‌ی حکومت رسید و سپس در قاهره به تفت نشست.

بیرونی، ابوریحان: مممّد بن احمد فوارزمی از علما و بزرگان ایران و جهان است. او همراه سلطان مممّد به هند رفت و شرح تحقیقات این سفر را در کتاب «تحقیق مالموند» تألیف کرد. آثار دیگر بیرونی «آثارالباقیه عن القرون الفالیه»، «التفهیم لاوائل صناعة التتیم» و «قانون مسعودی» است.

بین‌النهرین: ناحیه‌ای در آسیای غربی که در امتداد رود دجله و فرات. دولت‌هایی آشور و بابل در این منطقه به‌وجود آمده‌اند.

بیدل دهلوی: ابوالعالی عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی هندی است. او در نظم و نثر سبکی فاص داشت. شعر او از بهترین نمونه‌های سبک هندی به شمار می‌رود. در آثار بیدل افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته است.

پاکستان: از کشورهای همسایه ایران.

پرسپولیس: کلمه‌ای است یونانی به معنی شهر پارس، در این‌جا منظور یکی از کاخ‌های پادشاهان هخامنشی در مرو دشت فارس است.

ساقتمان این کاخ در زمان داریوش آغاز شد.

تاییکستان: از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق.

تاریخ فردریک کیبیر: اثری از توماس کارلایل (۱۸۸۱ - ۱۷۹۵).

تاریخ و صاف: کتابی است تاریخی تألیف «وصاف المصنفه» که به بخشی از تاریخ مغول پرداخته است. نشر این کتاب نمونه‌ی سبک مصنوع و متکلف است.

تمغه الافوان: کتابی است از کمال الدین عبدالرزاق کاشانی نویسنده‌ی قرن دهم.

توران: سرزمین تور، یکی از سه پسر فریدون. سرزمینی در آن سوی جیپون تا دریایچه‌ی آرال. جنگ‌های ایران و توران بخش مهمی داستان‌های ملی ما را تشکیل می‌دهد.

توس: پهلوان ایرانی، فرزند نوذر.

تولم: یکی از دهستان‌های فومن.

تهران مفوف: زمانی از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷)، این کتاب نخستین رمان اجتماعی است که در آن وضع فقرات آمیز زنان ایرانی به تصویر کشیده می‌شود.

پاچ: منطقه‌ای بزرگ و آبادان از ماوراءالنهر در کنار رود سیحون که اکنون تاشکند نامیده می‌شود و مرکز جمهوری ازبکستان است.

چین: کشوری وسیع و پرجمعیت در قاره‌ی آسیا. این نام از سلسه‌ی پادشاهان تسین گرفته شده است.

حلب: شهری در شام (سوریه).

هوا: نخستین زن، همسر آدم (ع).

فاش: ۱- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان که در جنوب زاهدان واقع شده است. ۲- شهری در افغانستان.

فاقانی: افضل الدین بدیل فاقانی ملقب به عسّان العجم شاعر مشهور قرن ششم. در قصیده‌سرایی صاحب سبک است. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم‌نظیر است.

فامنه‌ای، جعفر: در سال ۱۲۶۶ شمسی در تبریز به دنیا آمد. وی از طریق زبان‌های فرانسه و ترکی با اشکال جدید شعر آشنایی یافت. اشعار او که متأثر از نوپردازان ترکیه بود، در برابر به چاپ می‌رسید.

فاوران‌نامه: منظومه‌ای است از ابن حسام فوسفی شاعر قرن هشتم و نهم که موضوع آن سفرها و حملات علی (ع) به سرزمین فاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی است.

فشایارشا: پادشاه هفامنشی، پسر و جانشین داریوش بزرگ. مادر وی آتوسا دختر کورش بوده است.

فطّ سریانّی: فطّی که برای نوشتن زبان سریانّی به کار می‌رفته و آن همان فطّ آرامی با اندکی تغییر بوده است.

فطّ کوفی: نوعی از خطوط اسلامی.

فلیلی، (عبّاس): در نجف متولّد شد. رمان‌های «روزگار سیاه»، «انتقام» و «انسان و اسرار شب» را با نثری امّاساتی و آکنده از لغات

عربی در باره‌ی تیره‌روزی زنان نوشت.

فُنْج پال: فُنْج پال شعری در جنوب فارس میان شهر لار و بندر سیراف.

فوارز م: نامیه‌ای از ایران قدیم که در دوره‌ی قاجار جزء روسیه‌ی تزاری شد. اکنون از شهرهای کشور ترکمنستان است.

فوشه‌های فشم: از رمان‌های مشهور قرن بیستم و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر است. نویسنده‌ی این کتاب جان اشتاین بک است.

فیّام: حکیم ابوالفتح عمر فیّام، فیلسوف، ریاضی‌دان، منبّع و شاعر ایرانی قرن پنجم و ششم است و اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

دانشور، سیمین (تولّد ۱۳۰۰): نویسنده‌ی مشهور و معاصر. از آثار او می‌توان به رمان‌های «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» اشاره کرد.

درویش فان (۱۳۰۵ - ۱۲۵۱ ش): غلاممسین فرزند حاج بشیر طالقانی، موسیقی‌دان معروف ایران.

دمو ستس (۳۲۲ - ۳۸۴ ق. م): یکی از فطّای بزرگ آتن.

دریای هند: اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ.

دولت‌آبادی، محمود (تولّد ۱۳۱۹): داستان‌نویس معاصر؛ از آثار او می‌توان به کتاب‌های «کلیدر»، «جای خالی سلوچ»، «لایه‌های بیابانی» اشاره کرد.

دولت‌آبادی، یمی (فوت ۱۳۱۸): حاج میرزا یمی دولت‌آبادی یکی از پیش‌قدمان و مروجان تعلیم و تربیت جدید است. وی چند دوره نماینده‌ی شورای ملی بود.

دهفدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴ - ۱۲۵۷): دانشمند، لغوی و نویسنده‌ی معروف قرن چهاردهم هجری قمری است. برخی آثار او عبارت است از: «ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان»، «ترجمه‌ی روح‌القوانین»، «تصحیح دیوان منوچهری»، «تصحیح دیوان حافظ»، «امثال و حکم» و «لغت‌نامه».

دهک: قریه‌ای در نزدیکی زرنگ و بُست در سیستان.

دهلوی، امیرفسرو: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند است و در قرن هفتم می‌زیست. وی به تقلید نظامی پنج مثنوی سروده است. دهلوی هم‌پنین از سنایی، خاقانی و سعدی پیروی می‌کرد.

رفعّت، تقی: از پیشگامان تمول در شعر فارسی است. در تبریز به دنیا آمد و در استانبول به تحصیل پرداخت و به زبان‌های ترکی، فرانسه و فارسی تسلط داشت.

۴م: مرکز امپراتوری روم قدیم و ایتالیای کنونی.

راهبایانا: حماسه‌ی معروف هندوان، سروده‌ی والمیکی شاعر باستانی هند. این کتاب منظومه‌ای است طولانی به زبان سنسکریت درباره‌ی وقایع و جنگ‌های رام و همسر او سیتة.

رفش: اسب مشهور رستم.

رستم (توهمتن): در لغت به معنی بزرگ تن و قوی اندام. جهان پهلوان ایران از مردم زابلستان که دارای قدرتی فوق‌العاده بود. روزگار سیاه: رمانی از عباس قلیلی با نثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان. این کتاب الهام‌گرفته از «مادام کالملیا» اثر الکساندر دوما است.

رُهام: از پهلوانان ایرانی روزگار کاووس و فرزند کوررز، وی از دانیان روزگار فویش بود.

عبید زاکانی، نظام‌الدین عبدالله: شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز قرن هشتم هجری. وی اصلاً از مردم قزوین بود. آثار معروف او عبارتند از: «رساله‌ی دلکشا»، «افلاق‌الاشراف» و «موش و کربه».

زمخشری (فوت ۵۳۸هـ): جلال‌الله ابوالقاسم محمود زمخشری استاد تفسیر و حدیث و لغت و علوم بلاغی. اثر معروف وی «الکشاف فی تفسیر القرآن» است.

ژیل بلاس: رمان فرانسوی از آلن رنه لوساز (۱۷۴۷ – ۱۶۶۸) است و نخستین رمان فرانسوی به شمار می‌رود.

سنایی: ابوالمجد مجرود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم است. از آثار اوست: «طریق‌التحقیق»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ».

سو: قلعه‌ای در متصرفات غزنویان و قلعه‌ای مستحکم بود که مسعود سعد مدّتی در آن مبعوس بود.

سوئد: کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی میان نروژ و دریای بالتیک. پایتخت آن استکهلم است.

سه تفنگدار: رمانی از الکساندر دوما (پدر) که درباره‌ی شرح قهرمانی‌ها و جوان‌مردی‌های سه تن از تفنگداران لویی سیزدهم است.

شعربار (۱۳۶۷ – ۱۲۸۵ تبریز): سید مہمّم‌مسین بویست متخلص به شعربار غزل‌سرای بزرگ معاصر.

شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.

شعید بلفی: شعید بن حسین جهودانکی بلفی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم هجری.

صابری، کیومرث: نویسنده و طنزپرداز معاصر که اولین هفته‌نامه‌ی طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با نام «کل آقا» منتشر کرد.

صاحب‌قرائیه: کاخ تابستانی ناصرالدین شاه.

صغّارزاده، طاهره (تولد ۱۳۱۵هـ): شاعره نوپرداز معاصر، وی در سیربان چشم به جهان گشود. از آثار او «رهگذر مویتاب»، «طنین در دلتا»،

«دیدار صبح» و «بیعت با بیداری» اشاره کرد.

صنعتی‌زاده (۱۳۵۲ – ۱۲۷۳)، میرزا عبدالمسین صنعتی‌زاده از نخستین نویسندگان رمان‌های تاریخی در ایران بود.

طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۲۸ - ۱۲۵۰): حاج ملا عبدالرحیم بن ابوطالب نقار تبریزی سرفابی، نویسنده‌ی ایرانی، از آثار او: «کتاب اعمار»، «مسالك الممسین» و

طرابلس: ناحیه‌ای است در شمال غربی لیبی در ساحل بحر الروم (مدیترانه).

عرفی شیرازی: شاعر معروف ایرانی در قرن دهم.

عطار نیشابوری: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم. از آثار او می‌توان به: «تذکره‌الاولیا»، «منطق‌الطیر»، «الهی‌نامه»، «مفتارنامه» و «مصیبت‌نامه» اشاره کرد.

علوی، بزرگ (۱۳۷۶ - ۱۲۸۳ش): داستان‌نویس معاصر، از آثار او می‌توان به «پشم‌هایش»، «چمدان»، «سالاری‌ها» و «ورق‌پاره‌های زندان» اشاره کرد.

عمروبن عبود: از سران قریش و از پهلوانان و دلاوران مخالف اسلام، حضرت علی (ع) در غزوه‌ی فندق با او به رزم پرداخت و او را کشت.

عمرولیث: دومین پادشاه صفاری مقتول به سال ۲۸۹ هـ. ق.

عنتره: عنتره بن شداد از مشهورترین سوارکاران عرب در دوره‌ی جاهلیت و در بین عرب، مشهور به مناعت طبع و پاک سرشتی بود. دیوان شعری نیز دارد که حضرت رسول اکرم (ص) به اشعار او استشهاد می‌کرد و می‌فرمود: دلم می‌خواست زنده بود تا او را می‌دیدم. قانون (فرائض): نویسنده‌ی معاصر البزایر از آثار او می‌توان به «دوفیان روی زمین»، «واپسین دم استعمار» و «انقلاب آفریقا» اشاره کرد.

فتحعلی‌شاه: دومین پادشاه سلسله‌ی قاجار.

فراهی، ابونصر: صاحب کتاب «نصاب‌الصّیّان»، وی در لغت عرب و حدیث مهارت تام داشت.

فرّقی یزدی، ممد ابراهیم (فوت ۱۳۱۸ هـ. ش): از شعرا و آزادی‌خواهان دوره‌ی مشروطه، وی مردی منتقد و بی‌باک بود.

فروغی، ممد علی (۱۳۲۱-۱۲۵۷ ش): ممد علی فروغی ملقب به ذکاءالملک یکی از چهره‌های بزرگ علم و ادب و حکمت معاصر است. از آثار او می‌توان به «سیر حکمت در اروپا»، «آیین سفوری»، «تصحیح کلیات سعدی»، «تصحیح دیوان حافظ» و ... اشاره کرد.

فومن: شهری در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی رشت.

فیضی دکنی، ابوالفیض (۱۰۰۴ - ۹۵۴): ادیب و شاعر بزرگ هند، وی از بزرگان شعر سبک هندی است.

قائنی: حبیب شیرازی معروف به قائنی شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری.

قائم مقام: ابوالقاسم بن عیسی قائم مقام فراهانی، وزیر عباس میرزا و محمد شاه قاجار. وی در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنایی تفصّل می‌کرد.

قارون: از افراد بنی اسرائیل، معاصر حضرت موسی (ع) و به قولی پسر عموی وی بود. او جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود. موسی او را نفرین کرد و بر اثر نفرین، زمین شکاف برداشت و قارون و خانه و کنشش را به کام خود فرو برد. **قَہَر:** قاجار، طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار نوایان از سرداران مغول. **قطیف:** شهری در بحرین.

کافک: از بخش‌های کناباد.

کاظمی، محمد کاظم (توثر ۱۳۴۶): شاعر معاصر افغانی، مجموعه‌ی شعر او به نام «پیاده آمده بودم» منتشر شده است. **کاهک:** از توابع داورزن سبزوار.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ - ۱۳۶۱): وی در یزد زاده شد و از پیشگامان تهرّ در شعر فارسی به شمار می‌رود.

کشانی = اشکبوس: منسوب به کوشان، سرزمینی در مشرق ایران قدیم، شامل شرق ایران، مغرب هندوستان، افغانستان و ترکستان امروزی بوده است.

کمبریج: یکی از شهرهای انگلستان که دانشگاه معروف و قدیمی کمبریج در آن است.

کنفانی (غسان): نویسنده‌ی معاصر عرب. کتاب دیگر او «ادب المقاومة فی فلسطین المقتله» است.

کورش: موسس سلسله‌ی هخامنشی، مقتول به سال ۵۲۹ ق. م. او پسر کمبویه از فاندان هخامنشی بود.

کوفه: شهری در جنوب عراق، در نزدیکی نطف.

کیش: از معروف‌ترین جزایر خلیج فارس که بهترین مرواریدها در اطراف آن صید می‌شود.

گلوفونی: باتلاقی است در پست‌ترین ناحیه‌ی دشت اصفهان که رودخانه‌ی زاینده‌رود در آن می‌ریزد.

گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از فاندان سام نیرم فاندان او اهمیت داشته است.

لاهوئی، ابوالقاسم (۱۳۳۶ - ۱۳۶۴ ش): در کرمانشاه به دنیا آمد و در مسکو درگذشت. دیوان وی مجموعه‌ای از قطعه و غزل و

مقداری تمنیف و ترانه است که مجموعاً با زبانی ساده و روان سروده شده است.

مأمون الرشید: هفتمین خلیفه از خلفای عباسی. وی ابتدا امام رضا (ع) را ولیعهد خویش کرد. اما به سبب مبیعت و نفوذ روزافزون آن حضرت در حکومت، آن امام را به شهادت رساند.

مانین، اثل: بانوی انگلیسی نویسنده‌ی اثر معروف «راه بئر سبع» درباره‌ی فایعه‌ی فلسطین.

ماوراءالنهر: سرزمینی بوده است در شمال رود جیخون بین دو رود سیخون و جیخون شامل بخارا، سمرقند، خجند، اشروسنه و ترمز.

مجمع دیوانگان: اثری از میرزا عبدالمسین صنعتی زاده‌ی کرمانی (۱۳۵۲ - ۱۲۷۳) این اثر نخستین اتوپیا (=آرمانشهر)ی ادبیات معاصر است.

مراغه‌ای، زین العابدین (۱۲۹۰ - ۱۲۱۷): نویسنده‌ی کتاب «سیامت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ»، از پیشگامان ساده‌نویسی نثر معاصر.

مراکش: کشوری است در برجستگی شمال غربی آفریقا.

مرنج: نام یکی از زندان‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن مبعوس بوده است.

مساک المفسنین: اثری است از طالبوف نویسنده و دانشمند ایرانی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۰ هـ. ق.).

مسجد شیخ لطف‌الله: این بنا در شرق میدان نقش جهان اصفهان و روبه‌روی بنای عالی قاپو واقع شده است و در سال ۱۱۰۱ هـ. ق به امر شاه عباس اول بنا شده است.

مشفق کاظمی: مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶ - ۱۲۸۷) نویسنده‌ی نخستین رمان اجتماعی درباره‌ی وضع فقرات‌آمیز زنان ایرانی به نام «توران مفوف» که جلد دوم آن با نام «یادگار شب» منتشر شده است.

مصر: کشوری شامل زمین‌های موضعی سفلی نیل در شمال شرقی آفریقا و نیز شبه جزیره‌ی سینا در شمال دریای احرار.

مَعْرَی (ابوالعلاء): احمد بن عبدالله (فوت ۴۴۹) شاعر و لغوی معروف عرب که به سبب آبله نایبنا شد. از آثار او شرح اشعار متنبی و شرح دیوان بقری را می‌توان نام برد.

مقدونیه: ناحیه‌ی قدیمی در شمال کشور یونان که تحت اداره‌ی فیلیپ دوم و اسکندر سوم قرار داشت.

ملیک: غلامعلی شان معروف به ملیک و ملقب به عزیزالسلطان و سردار مقرر. برادرزاده‌ی امینه اقدس کروسکی یکی از زنان ناصرالدین شاه.

موسوی گرماردی، سیدعلی (تولد ۱۳۲۰): سید علی موسوی گرماردی متولد گرمارد الموت است. وی از شعرای نوپرداز به شمار می‌رود. کتاب‌های «سرود رگبار»، «عبور» و «در سایه‌سار نقل ولایت» از آثار اوست.

موش‌ها و آدم‌ها: اثری است از جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی (۱۹۶۸ - ۱۹۰۲ م.).

مهاجرات مهاجرات: حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به ویاسا فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند. اما این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب صد شاعر آن را طی چند قرن سروده‌اند.

ناپلئون سوم: شارلی لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۷۳ - ۱۸۰۸ م.) امپراتور فرانسه پسر لویی بناپارت.

ناصرالدین شاه: پسر محمد شاه قاجار و چهارمین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه. وی نزدیک به نیم قرن سلطنت کرد و سرانجام به دست میرزا رضا کرمانی ترور شد.

ناصر خسرو: مکیم ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۴۸۱ - ۳۹۴ هـ. ق.) ملقب به محبت از حکما و متکلمین اسلام و شاعر نامدار ایرانی است.

ناصره: شعری در شمال فلسطین اشغالی، مملّ ولادت حضرت عیسی (ع)، این شعر از زیارتگاه‌های مسیحیان است.

نای: نام یکی از قلعه‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن محبوس بوده است.

نرون: امپراتور ستمگر روم که قدرت را از دست مادر خود درآورد و سپس مادر و همسر خود را کشت. وی شهر رم را به آتش کشید و به ازار مسیحیان پرداخت.

نسیم شمال: روزنامه‌ای که سید اشرف الدین کیلانی در دوره‌ی مشروطه منتشر می‌کرد.

نیکسون: یکی از رؤسای جمهوری آمریکا، در دوره‌ی او جنگ ویتنام پس از سال‌های طولانی پایان یافت.

هاروارد: یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا در آمریکا که به اسم بنیان‌گذار آن جان هاروارد (۱۶۳۸ - ۱۶۰۷) روحانی انگلیسی نام‌گذاری شده است.

هدایت، صادق (فوت ۱۳۳۰): داستان‌نویس معاصر، آثار معروف او عبارت‌اند از: «بوف کور»، «سگ و گلد»، «سه قطره خون»، «اصفهان نصف جهان»، «پروین دختر ساسان» و

هومر: کهن‌ترین و نامدارترین حماسه‌سرای یونانی، وی در قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیست. از آثار او می‌توان به «ایلیاد» و «ادیسه» اشاره کرد.

جمال‌الدین مہمند عبدالرزاق اصفهانی: از شاعران سده‌ی ششم است. مشہورترین ترکیب‌بند وی در نعت و ستایش پیامبر است.

حاتمی، علی: (۱۳۷۵ - ۱۳۲۳) از سینماگران و فیلم‌نامه‌نویسان برجسته است. از مہم‌ترین فیلم‌نامه‌های او «ہزار دستان»، «دل‌شدرگان»، «سلطان صابقران»، «مادر»، «کمال‌الملک» و «چہان پهلوان تفتی» می‌باشد.

غفاری، مہمند: مشہور بہ کمال‌الملک (۱۳۱۹ - ۱۲۲۶ هـ. ش.) بزرگ‌ترین نقاش قرن اخیر ایران است. از آثار مشہور او «تالار آینه»، «زرگر بغدادی و شاکر دشن»، «میدان کربلا» و «یہودی خال‌گیر بغدادی» می‌باشد.

ساعدی، غلامحسین: (کوہر مراد) از داستان‌پردازان و نمایش‌نامہ‌نویسان معاصر است. وی بہ سال ۱۳۱۴ در تبریز و در سال ۱۳۶۴ در فرانسه درگذشت. از آثار او «چوب بہ دست‌های ورزیل»، «آی با کلاہ»، «آی پی‌کلاہ» و «عزاداران بیل» می‌باشد.

داستان‌گاو او در عزاداران بیل آمدہ است.

آل احمد، لیلال (۱۳۴۸ - ۱۳۰۲): از وی نزدیک بہ ۴۵ اثر باقی ماندہ است. آثار وی را بہ چہار دستہ‌ی داستان، سفرنامہ، ترجمہ و مقالات می‌توان تقسیم کرد. از داستان‌های مشہور او: «مدیر مدرسہ»، «نون والقلم»، «زن زیادی» و «پنج داستان» می‌باشد.

بیوقی، ابوالفضل: (۴۷۰ - ۳۸۵ هـ. ق.) نگارندہ‌ی «تاریخ مسعودی» یا «تاریخ بیوقی» با موضوع سلطنت مسعود غزنوی است.

فرسند، پرویز: نویسنده‌ی کتاب‌های «فون و فورشید»، «بزرگبران دشت فون»، «آن‌جا کہ حق پیروز است» و «مرثیہ‌ای کہ ناسرودہ ماند» می‌باشد. کہ اغلب آن‌ها دربارہ‌ی عاشورا است.

سبزواری، حمید: متولّد ۱۳۰۴ سبزوار است و مجموعہ‌های «سرود در» و «سرود سپیدہ» اثر اوست. شعر «بانگ جرس» متعلق بہ این شاعر است و بیانگر پیوند میان انقلاب اسلامی با مبارزات مردم فلسطین است.

قزوہ، علی‌رضا: شاعر «باغ نگاہ» است کہ در توصیف جانبازی است کہ پشمان خویش را در راہ ایمان بہ خدا تقدیم کردہ است.

شکسپیر، ویلیام: (۱۶۱۶ - ۱۵۶۴) شاعر و نمایش‌نامہ‌نویس معروف انگلستان و خالق نمایش‌نامہ‌های «ہملت»، «مکبث»، «اتللو» و «لیرشاہ» است. سرودہ‌های وی بہ «غزلوارہ» معروفند.

تولستوی، لئون: در سال ۱۸۲۸ در مسکو بہ دنیا آمد و پس از ۸۲ سال در همان‌جا چشم از جہان بست. از مہم‌ترین آثار وی «جنگ و صلح»، «آنکارینا» و «رستافیز» می‌باشد.

تانزد، سیلویا: شاعر و رومان‌نویس انگلیسی متولّد ۱۹۸۳ می‌باشد. اولین کتاب شعر او با عنوان «پفتہ» در سال ۱۹۲۵ چاپ شد.

رابیندرانات تاگور: (۱۹۴۱ - ۱۸۶۱) شاعر بزرگ ہندی است. مجموعہ‌ی «ماہ نو و مرغان آوارہ» مربوط بہ اوست.

اسعدگرگانی، فخرالدین: از شاعران قرن پنجم ہجری است. تنها اثر او «منظومہ‌ی ویس و رامین» بازماندہ‌ی یک داستان کهن ایرانی است.

فاغانی شروانی: شاعر برجسته‌ی قرن ششم ملقب به «هسان عجم» در سرودن قصیده شهرت دارد. غزل «آفتاب و خا» اثر اوست که بعدها حافظ تمت تأثیر آن غزل معروف «ای هرهر صبا به سبا می‌فرستمت» را سرود.

عطار نیشابوری: از شاعران و عارفان بزرگ قرن ششم و خالق آثاری برجسته چون «منطق‌الطیر»، «الهی‌نامه»، «مصیبت‌نامه»، «مقارن‌نامه» به شعر و «تذکره‌الاولیا» به نثر است. «منطق‌الطیر» یا «مقامات‌الطیور» داستان پرنرگانی است که به قصد زیارت سیمرخ حرکت و پس از عبور از هفت مرحله «سیمرخ» آن‌ها به مقصد می‌رسند.

منشی، نصرالله: نویسنده‌ی کلیله و دمنه است. داستان‌های این کتاب از زبان دو شغال کلیله و دمنه نقل می‌گردد. اصل کتاب هندی بوده و ابن مقفع ترجمه‌ی پهلوی را به عربی و نصرالله منشی آن را به فارسی برگرداند.

قبادیانی، ناصر خسرو: شاعر بزرگ و قصیده‌سرای قرن پنجم است.

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده‌ی بزرگ قرن نهم است. او «بهارستان» را به تقلید از «گلستان» سعدی نوشت. جز دیوان شعر و آثار مثنوی، «هفت اورنگ» او که دربرگیرنده‌ی هفت مثنوی است شهرت فراوان دارد.

معلم دامغانی، محمدعلی: متولد ۱۳۳۰ از شاعران انقلاب است. از او مجموعه شعری به نام «رجعت سرخ ستاره» در سال ۱۳۶۰ به چاپ رسید.

امین‌پور، قیصر: شاعر و نویسنده‌ی معاصر متولد ۱۳۳۸ شوشتر خالق آثاری چون «در کوچه‌ی آفتاب»، «تنفس صبح»، «آینه‌های ناکهان»، «ظهر روز دهم»، «مثل چشمه، مثل رود»، «به قول پرستو» و «انتظار موعود» می‌باشد.

سلطان هراتی: متولد ۱۳۳۹ در تنکابن است. او در سال ۱۳۶۵ در یک حادثه‌ی رانندگی درگذشت. از وی آثاری چون «از آسمان سبز»، «از این ستاره، تا آن ستاره» و «دری به فانه‌ی فورشید» می‌باشد.

موزنی، علی: متولد ۱۳۳۷ از شاعران انقلاب است. از آثار او: «ملاقات در شب آفتابی»، «نه آبی نه خاکی»، «ارتباط ایرانی» و «در انتظار شاعر» می‌توان نام برد.

راکعی، فاطمه: متولد ۱۳۳۳ در زنجان از شاعران انقلاب است. آثار او: «سفر سوختن» و «آواز کلسنگ» می‌باشد. وی در اشعارش به عظمت شخصیت امام پرداخته است.

باقری، ساعده: متولد ۱۳۳۹ از شاعران انقلاب است و صاحب آثار: «نبوای جنون» و «شعر امروز» است. سروده‌ی «چشم‌های زمین» نبوای شاعر با خود است.

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که در کتاب «پیامبر» زندگی پیامبر را توصیف می‌کند.

بهمن بیگی، محمد: متولد ۱۳۹۹ در فارس نویسنده‌ی ایل قشقایی است. او دوران کودکی و نوجوانی خود را در کتاب «بهارای من، ایل من» گرد آورده است.

هاتف اصفهانی، سید احمد: متوفی به سال ۱۱۹۸ هـ. ق. شاعر دوره‌ی افشاریه و زندیه بوده است. در غزل پیرو سعدی و حافظ بوده است. عمده‌ی شهرت او به واسطه‌ی تریب‌بند عرفانی اوست.

رازی، نجم‌الدین: «دایه» (۶۵۴ - ۵۷۰) خالق اثر «مرصاد‌العبار» از عرفای بزرگ قرن هفتم است. این کتاب را در بیهوشی حمله مغول در سال ۶۱۸ نگاشته و در آن به بررسی مهم‌ترین مسائل عرفانی پرداخته است.

وقت سمر

دوش وقتِ سمر از غمّه نیاتم دادند و اندر آن ظلمتِ شب آبِ میانم دادند
 بی‌خود از شعشعهِ پرتوِ ذاتم کردند باره از جامِ تَقَلّی صفاتم دادند
 چه مبارک سمری بود و چه فرغنده شبی آن شبِ قدر که این تازه براتم دادند
 بعد ازین روی من و آینه‌ی وصفِ جمال که در آن با فبر از جلوه‌ی ذاتم دادند
 من اگر کام‌روا کُشتم و فوشدل چه عجب مستق بودم و این‌ها به زکاتم دادند
 هاتف آن روز به من مژده‌ی این دولت دار که بدان جور و وفا صبر و ثباتم دادند
 این همه شهود و شکر کز سفنم می‌ریزد اجر صبری است کزان شاخِ نیاتم دادند
 همتِ حافظ انفاسِ سمرغیزان بود
 که ز بندِ غم ایّامِ نیاتم دادند

روز وداع یاران

بگذار تا بگیرم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله فیزد روز وداع یاران
 هر کلو شرابِ فقرقت روزی پیشیده باشد داند که سفت باشد قطع امیدواران
 با ساریان بگویند احوال آبِ پشیمم تا بر شتر نیند ممل به روز یاران
 بگذاشتند ما را در دیده آبِ مسرت کریان چو در قیامت، پشیم کتاهکاران
 ای صبحِ شب‌نشینان جانم به طاقت آمد از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران
 چندین که بر شمردم از مایرای عشقت اندوه دل نگفتم الاّ یک از هزاران
 سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل بیرون نمی‌توان کرد الاّ به روزگاران
 پندت کنم حکایت، شرح این قدر کفایت باقی نمی‌توان گفت الاّ به غمگساران

شرابِ روحانی

ساقیا بده جامی زان شرابِ روحانی تا دمی بر آسایم زین عذابِ ظلمانی
 طره‌ی پریشانش دیدم و به دل گفتم این همه پریشانی بر سر پریشانی
 بی‌وفا نگار من، می‌کند به کار من فترده‌های زیر لب، عشوه‌های پنهانی
 دین و دل به یک دیدن باقتیم و فرسندیم در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی؟
 خانه‌ی دل ما را از کرمِ عمارت کن پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی
 ماسیه کلیمان را جز بلا نمی‌شاید بر دل بویایی نه، هر بلا که بتوان

ملک سلیمان

پیش صامب نظران مُلک سلیمان بار است بلکه آن است سلیمان که ز مُلک آزاد است
آن که کوینر که بر آب نهاده‌ست جهان مشن و ای فواجه که تا در نگری بر بار است
دل در این پیرزن عشق و ده‌گر میند کاین عروسی است که در عقیر بسی داماد است
فاک بغدادر به مرگ فلغا می‌گیرد ورنه این شطّ روان چیست که در بغداد است
گر پُر از لاله‌ی سیراب بُود دامن کوه مرو از راه که آن فون دل فرهاد است
همچو نرکس بکشا چشم و بین کاند، فاک چند روی چو کل و قامت چون شمشاد است
فی‌مهی اُنس مزن بر در این کهنه رباط که اساسش همه بی‌موقع و بی‌نیاد است

حاصلی نیست به جز غم ز جهان فواجه را

شادی چنان کسی‌کاو ز جهان آزاد است

الف

اجابت: پذیرفتن، قبول کردن

افتلاف: رخت و آمد

ازار: لنگ

استفلاص: رهایی بستن، رهایی دادن، رهایییدن

استنشاق: چیزی را بوی کردن، بوییدن

اعراض: روی برگرداندن

اعورانه: (قید است) مثل آدم اعور: یک چشم

الهاج: پافشاری کردن، اصرار کردن

امام: پیشوا، راهنما

امامزاده: بزرگ‌زاده، مششع

امحال: محلت دادن

انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا

اوراد: جمع ورد، دعاها

اهمال: فرو گذاشتن، سستی کردن در کاری

ایباز: کوتاه گفتن، سخن کوتاه کردن، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت

ایدر: این‌ها، اکنون

ایما: اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

ب

بازآفره: مبارزات، کیفر

باره: اسب

باسق: بلند

بدیع: نو، تازه، دانشی که در آن از صنعت‌های کلام و زیبایی‌های الفاظ نظم و نثر به‌مث شود.

برگستوان: پوششی که جنگاوران قدیم به هنگام جنگ می‌پوشیدند، پوشش اسبان و خیل‌ها به هنگام جنگ.

پاتابه: (پایتابه)، نواری که به ساق پا پیچند.

پرفاشفر: پرفاشیو، جنگجو

پیراستن: زینت دادن، مزین کردن، زینت کردن همراه با کاستن

تاک: درخت انکور

تتمه: به جای مانده، باقی مانده‌ی چیزی

تقلی: نمودار شدن، هویدا شدن

تغیر: سرگشته شدن، سرگردانی

تقمیر: سرشتن، مایه زدن

تذرو: قرقاول، نام پرنده‌ای

تراژدی: نوعی نوشته یا نمایش‌نامه که موضوعی غم‌انگیز دارد.

ترسا: نصرانی، مسیحی

تزار: پادشاهان روسیه در گذشته

تفسر: زاری کردن، التماس کردن

تفسیریب: فتنه‌انگیزی، دو به هم زنی

تغافر: به خود نازیدن، به یکدیگر فخر کردن

تفرس: دریافت چیزی به علامت و نشان، دریافت به فراست

تقریر کردن: بیان کردن، روشن ساختن

تقصیر: گناه، کوتاهی کردن، کوتاهی

تک: دو

تک: عمق، ژرفا

تل: هر چیزی بر روی هم فرم گرفته باشند، تپه، پشته

تلبیس: نیرنگ، پنهان کردن حقیقت

توزی: منسوب به توز، پارچه‌ی نازک‌کنانی که نفست در شهر توز می‌یافته‌اند.

توقیع: امضا کردن نامه و فرمان

ت

ثِقَات (ثقه): اعتماد کردن

ج

چال: دام برای پرنده‌گان، تله

چَبَه: جامه‌ی گشاد و بلند که روی لباس‌های دیگر پوشند.

چِمَّازَه: (چماز) شتر تیزرو

چُنْهه: کنه، بنه

چَنبیت: برک، چنبیت‌کش

چولاهه: بافنده، نساج، عنکبوت

چیب: کربیان، یقه

چ

چارق: کفش پرمی

چاووش در داد: بانگ زد، چار زد، نداد در داد.

چنبر: محیط دایره، حلقه، قید، گرفتاری

ح

حَبِرِی رنگ: کبود رنگ، حبر: مرکب

حَبَه: دانه

حَقَه: ظرف کوچکی که در آن جواهر یا اشیای دیگر گذارند، قوطی

حَلِیه: زیور، زینت

حَمِیت: مردانگی، غیرت

خ

خازن: خزانهدار، نگهبان خزان، خرشته

خایب: ناامید، بی‌بهره

خَبِط: بی‌راه رفتن، کثر رفتن

خَطَوَات: گام‌ها، قدم‌ها، جمع خطوه

خَلعت: جامه‌ی دوخته که بزرگی به کسی بشد.

فَلَقَ گونه: کهنه، ژنده، پوشیده

قلیده: زخمی، زخم‌شده

فیلثاش: گروه نوکران و پاکران

>

دُرَاعه: جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ پوشند، جُبّه، بالاپوش

دریغ: مضایقه، بی‌دریغ: بی‌مضایقه

دکنک: پمباق، کز، بزرگ

دَلّاک: موی تراش، سلمانی، کسی که در حمام مردم را کیسه‌کشد.

دَوَال: پیرم و پوست، یک دوال: یعنی یک لایه، یک پاره

دَها: زیرکی، هوشمندی

دیر: مملی که راهبان در آن عبادت‌کنند، صومعه

,

راغ: صمرا، بیابان

راهب: عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه‌نشین

راهوار: تندرو، فراخ‌کام، فوش‌راه

رای زدن: مشاوره، با کسی در کاری مشورت کردن

رای زن: مشاور، کسی که در کاری با وی مشورت‌کنند.

رباط: کاروان‌سرا

رب النوع: پروردگار نوع در نظر مشرکان مثلاً فدای آتش، فدای درختان

ربیع: بهار

رهیل: کوچ، کوچیدن

ردا: جامه‌ای که روی جامه‌ی دیگر پوشند

رَز: سمّ مهلک

رغم: به شک آلودن بینی، فلاف میل کسی عمل کردن، بر فلاف میل، کراهت

رند: زیرک، هیله‌گر، لالابالی، آن که ظاهر خود را در ملامت دارد و باطنش سالم باشد.

رواق: ایوانی که در طبقه‌ی دوم ساخته شود. سایبان، پیشگاه‌خانه

روضه: باغ، گلزار (روضه‌ی رضوان: بهشت)

ز

زعارت: بدفویی، بدفلقی، تند مزاجی

ژنار: کمربندی که زرتشتیان یا مسیحیان بر کمر می‌بستند تا از مسلمانان شناخته شوند.

ژ

ژاژ: بوته‌ی گیاهی به غایت بی‌مزه و هر چند شتر آن را بیود نرم نمی‌شود. ژاژ شاییدن کنایه از کار بی‌فایده کردن است.

ژکیدن: آهسته سفن گفتن در زیر لب از روی فشم و غضب، غرولند کردن

س

ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است.

سایا: جمع سیه یعنی خلق و خوی و عادت نیک

سیره: نام درختی است در بالای آسمان هفتم که آن را سیره‌الممنتهی گویند.

سر: رئیس

سَطوت: شصت، مهابت، غلبه، وقار

سُفت: دوش، کتف

سُقلمه: ضربه با کوزه‌ی مشت، آرنج یا مشت دست که معمولاً برای هشدار دادن زده می‌شود.

سِلک: رشته، نخ

سیال: بسیار روان

ش

شاهر: زیباروی، مصوب، معشوق

شرارت: بدی کردن، بدخواهی، فتنه‌انگیزی

شِراع: سایه‌بان، خیمه

شعشه: پراکنده شدن، روشنایی

شقیقه: قسمت فوقانی خارجی استخوان سر، گیج‌گاه

شمایل: صورت، چهره

شیشک: کوسفند یک ساله

شیلینگ: پول انگلیسی معادل $\frac{1}{20}$ لیره‌ی استرلینگ

ص

صفوت: برگزیده و فالص از هر چیز

صیانن: نگهداری

ض

ضیعت: زمین زراعتی

ط

طاسک: طاس کوچک، آویز طلا و نقره‌ی زینتی

طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن

ع

عاکف: کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.

عتاب: ششم گرفتن، غضب، ملامت

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند.

عقد: کردن بند

عَلَق: فون بسیار سرخ، فون غلیظ

علیل: بیمار، رنجور

عود: درختی است که از سوزاندن چوب آن بوی فوشی پراکنده می‌شود.

غ

غازه: کلکونه، سرشاپ

ف

فایق: برگزیده، برتر

فتراک: تسمه و دوالی که از پس و پیش زمین اسب آویزند، ترک‌بند

فتوت: جوانمردی، مردانگی

فراش: فرش کستر، گسترده‌ی فرش

فرض: واجب گردانیدن، تعیین کردن

فرقت: جدایی، دوری

فرقدان: (دو فرقد) دو ستاره‌ی راهنما در صورت فلکی دب‌الکبر در نزدیکی قطب شمال

فر: شکوه

فرهی: شکوه، شأن و شوکت و دارای فر بودن

فشار: سفن بیهوده

ق

قاش: قاچ، برجستگی جلو زمین اسب که از چوب، شاخ یا فلز سازند. کوهه‌ی زمین، قُبّه‌ی پیش‌زمین

قاصدک: کل قاصد

قبضه: یک مشت از هر چیز

قُبّه: عمارت گنبدی شکل

قدوم: آمدن، قدم نهادن

قربت: نزدیکی

قلیه: نوعی شوراک از گوشت، در متن درس مقصود از «قلیه‌ی حلوا» نوعی حلوا با روغن و آرد است.

قیه: بیخ، قیه کشیدن: بیخ کشیدن به هنگام بشن

ک

کاینات: جمع کاینه، موجودات جهان

کنان: گیاهی است که از ساقه‌های الیاف آن در نساجی استفاده می‌کنند.

کرامت: کرم، بششش

کَرَنَر: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد.

کثر فیم: کثرت، بدرفتار

کسوت: لباس

کش: بغل، آغوش

کش: فوش، فرم

کَهر: رنگ سرخ مایل به تیرگی (مخصوص اسب و استر)، در این‌جا مطلق اسب مراد است.

گ

گبَر: ففتان، لباس جنگی

گرازان: جلوه‌کنان و با ناز راه رفتن

گره‌گوری: کنایه از افراد بدبخت و سیاه‌بخت (گور و کپل، لاغر و سیاه)

گَز: (تیرگَز): نوعی درخت

گشن: انبوه، پُرشاخ و برگ

ل

لابه: اظهار نیاز، تضرع، التماس

لت: سیلی، لت زدن: سیلی زدن، خدشه به کسی وارد کردن

لَمفه: مدتی اندک چون چشم به هم زدن

م

مال‌بند: قطعه پوی دراز که در جلو درشکه و ارابه نصب کنند و اسب‌ها را به دو طرف آن بندند.

مالیده: در مورد دستار ظاهراً به معنای خوب و مرغوب است. در مورد موی سر ظاهراً یعنی مرتب شده و در عبارت نیک بمالید یعنی

کوشمال داد.

مباهات: خسر کردن، نازیدن

مُتَمیند: شکارگاه

مقارب: نزدیک‌شونده، همگرا

مقاعِد کنند: بقبولانند، مباب کنند

متمادی: مدت‌دارنده، طولانی، دراز

متواتر: پی‌درپی

مجلس گفتن: مجالس وعظ و پند که مشایخ صوفیه برگزار می‌کردند.

مجمِر: آتش‌دان

مُفاق: پوشیده‌شده، اطافه‌شده، حالت ماه در سه شب آخر ماه قمری که از زمین دیده نمی‌شود.

مماورات: جمع مفاوره، گفت‌وگوها

ممتشم: دارنده‌ی شکوه و عِشمت

مَمْل: کباوه که بر شتر بنزند

مِفْتَقَه: کردن بند، قلاّده

مِرْعی: اَدْعاکننده، فواهان

مِرآورده: دوستی، رخت و آمد

مزید: افزونی، زیادی

مسالمت: آشتی کردن با یکدیگر، فوش رفتاری

مستغرق: غرق شده

مستلزم: لازم دارنده

مشهور: پر شده، انباشته، مملو

مضیف: جای ضیافت، مهمان‌خانه

مضیق: تنگنا، کار سخت و دشوار

مطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت‌شده

مطاوعه: اطاعت، فرمان‌برداری

مطلق: رهاشده، آزاد

معارضه: ستیزه کردن

مَغ: موبد زردشتی، زردشتی

مَغاک: جای فرو رفته و گود، گودال

مَغْرَح: شادی بفش، فرح انگیز

مَغْفِر: آن‌چه بدان فخر کنند

مَقیم: کسی که در جایی مسکن گرفته، اقامت‌کننده

مَلَنگ: مست، بی‌خود و بی‌هوش

مُمَر: مردکننده، یاری رساننده

مُنکر: زشت

مواهب: (جمع موهب) وظایف و اعمالی که انجام آن بر ششمن واجب است.

مواهب: بخشش‌ها، جمع موهبت

مُودَّت: دوستی گرفتن، دوستی، محبت

موزه‌ی میکانیکی: نوعی کفش

موقر: باوقار، بزرگوار

موهبت: بخشش

مهر: کھواره

مُهمَل: کلام بی‌معنی و بیهوده

ن

ناو: قایقی کوچک که از درختی میان‌تعی سازند.

نَزه: باصفا، خوش آب‌وهوا

نشتر: نشتر، چاقوی فلزی نوک‌تیز، تیغ چرّامی

نَفقه: اتفاق و بخشش، آنچه صرف هزینه‌ی زن و فرزند شود.

نمط: روش، طریقه

نوش: شعر و شیرینی، گاه‌نوش به تنهایی به معنی «کوارا باد» است.

نَهفت: پناهگاه

و

وامصف: وصف‌کننده، ستاینده

وقیعت: سرزنش، برگویی

ه

هزار: بابل، عندلیب

هزاهز: آشوب فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد.

هماورد: هر یک از دو کس که با یکدیگر جنگ کنند، حریف، رقیب

همیان: کیسه‌ی پول

ی

یال: گردن، موی گردن اسب و استر

آتاتورک: پدر ترک، لقب مصطفی کمال پاشا (۱۹۳۸ - ۱۸۷۸ م.) بنیان‌گذار و رهبر جمهوری ترکیه.

آتن: بزرگ‌ترین شهر یونان قدیم و پایتخت آن، امروزه نیز این شهر پایتخت کشور یونان است.

آغاپی خادم: خادم خاص سلطان مسعود غزنوی

آل احمد، جلال: نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۲ در خانواده‌ی روحانی متولد شد و پس از سال‌ها مبارزه‌ی سیاسی و فرهنگی در سال ۱۳۴۸ در اسلام‌کیلان درگذشت. از آثار او «نون والقلم»، «غرب‌زدگی»، «مدیر مدرسه»، «ارزیابی شتاب‌زده» و ...

آلمان: منطقه‌ی وسیعی در اروپای مرکزی، این کشور در جنگ جهانی دوم به دو کشور آلمان شرقی و آلمان غربی تقسیم شد.

آمو: نام قدیمی رود جیخون که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد. این رود سابقاً به دریای خزر می‌ریخته است ولی امروزه مصب آن دریاچه‌ی آرال است.

آنا کارنینا: نام یکی از رمان‌های لئون تولستوی نویسنده‌ی بزرگ روس

آن‌جا که حق پیروز است: کتابی است از پرویز فرسند که درباره‌ی وقایع عاشورا نگاشته شده است.

آواز گل‌سنگ: مجموعه شعر فاطمه راکعی شاعر معاصر

ابوبکر وراق: عارف بزرگ ایرانی در قرن سوم. زاگلهش ترمز و معاصر احمد خضرویه است.

ابوالحسن بولانی: قاضی بُست در عصر سلطان مسعود غزنوی

ابوعلی دقاق: فقیه و عارف قرن چهارم و پنجم، وی اهل نیشابور بود و ابوالقاسم قشیری از مریدان اوست.

ابوالعلا طیب: پزشک مخلص سلطان مسعود غزنوی

ابوالقاسم قشیری: ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک از بزرگان صوفیه در قرن چهارم، کتاب «رساله‌ی قشیری» از آثار اوست.

أمر: کوهی است در حجاز که یکی از جنگ‌های پیامبر در نزدیک آن روی داده است.

احمد شاه: پسر محمد علی شاه و آخرین شاه قاجار، وی در دوازده سالگی بعد از خلع محمد علی شاه به سلطنت رسید.

افلاق‌الآشراف: کتابی است نوشته‌ی عبید زاکانی شاعر و طنزپرداز قرن هشتم. این کتاب نمونه‌ای از طنز وی است.

ارتباط ایرانی: رمانی از علی مؤذنی نویسنده‌ی معاصر

از آسمان سبز: مجموعه‌ی شعری از سلمان هراتی شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی

از این ستاره تا آن ستاره: مجموعه شعری از سلمان هراتی برای نوجوانان

ازادهای هفت سر: نام کتابی از دکتر ابراهیم باستانی پاریزی است که به تبیین راه ابریشم در طول تاریخ می‌پردازد.

اسرار التوفیه: کتابی است تألیف ممد بن منور در شرح حال ابوسعید ابوالفیر. ممد بن منور یکی از نوادگان ابو سعید است.

اسفندیار: پهلوان روپین تن پسر گشتاسب، که سرانجام به دست رستم کشته شد.

اسکندر: اسکندر مقدونی پسر فیلیپ در ۲۰ سالگی جانشین پدرش شد. وی در سال ۳۳۴ ق. م. به عزم تسفیر ایران حرکت کرد. پس از جنگ ها و فتوحات زیار از جمله شهرهای ایران در ۳۲ سالگی در بابل درگذشت.

اسلامی ندوشن، ممدعلی: نویسنده ای معاصر، صاحب آثاری چون: «صفیر سیمرخ»، «روزها»، «جام جهان نما» و ...

آشکبوس: یکی از پهلوانان تورانی که به دست رستم کشته می شود.

اصفهانی، عبدالرزاق: سید احمد هاتف اصفهانی شاعر معروف قرن دوازدهم، وی به خاطر ترمیع بند عرفانی خود شهرت فراوانی کسب کرده است.

افغانی، علی ممد: رمان نویس معاصر، صاحب رمان هایی چون: «شهر آهوانام»، «شادکامان دره ی قره سو»، «شلغم میوه ی بهشته» و بوته زار»

اقتصاد عصر صفوی: کتابی است از نویسنده ی معاصر باستانی پاریزی

آکوان دیو: نام دیوی که رستم را به دریا افکند و بعد به دست رستم کشته شد.

امیر علی، قریب: از بزرگان عصر سلطان محمود که در به تفت نشانن مسعود سهم بزرگی داشت و به وسیله مسعود اموال او ضبط و خود گرفتار شد.

امیر فیر، میثاق: داستان نویس معاصر، «فیر اسلام»، «دو قدم تا قاف»، «انسان میوه ی نفل» و «اشراق» از آثار اوست.

امین پور، قیصر: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «در کوچه ی آفتاب»، «تنفس صبح» و «آینه های ناکهان» از آثار اوست.

آنس بن هارث: یکی از یاران امام حسین (ع) که در ظهر عاشورا به شهادت رسید.

انصاری، فواحه عبدالله: پیر هرات (۴۸۱ - ۳۹۶ ه. ق.) دانشمند و عارف بزرگ که از آثار او می توان به «مناجات نامه»، «نصایح»، «کنز الساکلین» و «الهی نامه» اشاره کرد.

اورمزد: خدای بزرگ ایرانیان باستان و زرتشتیان

ایتالیا: کشوری در جنوب اروپا که پایتخت آن رم است.

ایوبی، صلاح الدین: قهرمان مسلمان و کرد جنگ های صلیبی (۵۸۹ - ۵۳۲ هجری)

باستانی پاریزی، ممد ابراهیم: نویسنده ی معاصر، «هشل الوفت»، «فاتون هفت قلعه»، «وادی هفت واد» و «از پاریز تا پاریس» از آثار اوست.

بفرین: کشوری در خلیج فارس، این کشور عربی سال ها جزء خاک ایران محسوب می شد.

باقری، ساعد: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعر «نبوای جنون» از آثار اوست.

بهرین: کشوری در خلیج فارس، این کشور عربی سال‌ها جزء خاک ایران محسوب می‌شد.

بقارای من ایل من: نام کتاب ممد بهمن یکی نویسنده‌ی معاصر

بدر: چاهی است در نزدیکی مدینه که چنگ بدر در سال دوم هجری بین مسلمانان و کفار در این منطقه رخ داد.

بروکسل: پایتخت کشور بلژیک

بلژیک: کشوری اروپایی که با هلند، آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ مرز مشترک دارد.

بونصر مشکان: دبیر رسایل دربار محمود و مسعود غزنوی است که تا پایان عمر بر این سمت می‌ماند. وی استاد و مقتدرای بیوقی است و بیوقی همه جای تاریخ خود از او به نیکی و بزرگی یاد کرده است.

بوسهل زوزنی: از مشاوران مسعود غزنوی است که یک چند پوشیده‌وزیری می‌کند و نتیجه‌ی هر یک از دفتارهای ناروای او در مسایل مملکتی به فایده‌ای می‌انجامد. وی مدت کوتاهی پس از مرگ بونصر مشکان سرپرستی دیوان رسایل را بر عهده دارد.

بهمن: نام پسر اسفندیار که انتقام خون پدر را از خانواده‌ی رسم گرفت.

بهمن بیگی، ممد: نویسنده‌ی کتاب «ایل من بقارای من»، معاصر.

پاریز: یکی از روستاهای استان کرمان

پاریس: پایتخت کشور فرانسه

پاشایی.ع: مترجم و نویسنده‌ی معاصر، از ترجمه‌های او می‌توان به «زن چیست؟» و «ماه نو و مرغان آواره» اشاره کرد.

پانتئون: در یونان و روم معبد خدایان را پانتئون می‌گفتند. بنایی که اکنون در پاریس به این نام خوانده می‌شود در سال ۱۷۶۴ به منظور کلیسا پی‌ریزی شد ولی بعدها محل دفن بزرگ‌مردان فرانسه شد.

پشوتن: نام پسر گشتاسب، طبق روایت زرتشتیان وی به دست زرتشت خناناپزیر شد.

تاریخ بلعمی: کتابی است تألیف ابو علی بلعمی در قرن چهارم، این کتاب اقتباسی است از تاریخ طبری، به همین سبب به ترجمه‌ی تاریخ طبری مشهور شده است.

تاریخ جهان‌گشای جوینی: کتابی است تاریخی - ادبی تألیف عظامک جوینی (۶۲۳ - ۶۸۱ هـ.) در این کتاب ممله‌ی تاریخی مغولان به ایران تشریح شده است.

تاگور، رابیند رانات تاگور: شاعر بزرگ هندی (۱۹۴۱-۱۸۶۱ م). وی به افز جایزه‌ی نوبل نایل آمد.

تفقه‌الامراء: یکی از مثنوی‌های هفت اورنگ عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده‌ی قرن نهم

تفت جمشید: مملی است واقع در مرو دشت فارس، ساقتمان آن در زمان داریوش اول آغاز شد، از آثار مهم تفت جمشید ارگ یا قلعه‌ای است که اسکندر آن را آتش زد.

تفتی، غلامرضا: کشتی‌گیر بزرگ معاصر که به او لقب جهان‌پهلوان داده‌اند.

تزار: نام عمومی پادشاهان تزاری روسیه

تدوین: وی از ناطقان زبردست حزب دمکرات بود. در دوره‌های چهارم و پنجم به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ریاست مجلس رسید.

تذکره‌الاولیا: کتابی است تألیف شیخ فریدالدین عطار در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

تذکره‌ی دولتشاه سمرقندی: شرح حال شعرا از رودکی تا قرن نهم، مؤلف آن دولتشاه سمرقندی است. وی این کتاب را در سال ۸۹۶ هجری به پایان رسانده است.

تیبیر: رودخانه‌ای در ایتالیا

جامی، عبدالرحمن: شاعر و نویسنده‌ی معروف ایرانی (۸۹۸-۸۱۷) آثار منظوم او عبارت‌اند از: «هفت اورنگ» به تقلید خمسه‌ی نظامی با نام: «سلسلة الذهب»، «سلامان و ابسال»، «تفقه‌الامراء»، «سبحة‌الابرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و «فردنامه‌ی اسکندری».

بعضی از آثار اثر او عبارت‌اند از: «نقدالنصوص»، «نفحات الانس»، «لوايح و لوامع».

جبریل (جبرئیل): یکی از چهار فرشته‌ی مقرب خداوند. جبرئیل حامل وحی برای پیامبر است.

جبل الطارق: تنگه‌ای است بین اسپانیا و مراکش که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس وصل می‌کند.

جنگ و صلح: رمانی است از لئون تولستوی که در سال‌های ۱۸۶۹-۱۸۶۴ م. به رشته‌ی تحریر درآورده است. در این کتاب اوضاع اجتماعی روسیه در هنگام لشکرکشی ناپلئون بران کشور تشریح شده است.

جنید بغدادی: ابوالقاسم بن محمد بن جنید عارف معروف و عالم دینی (۲۹۷ هـ). وی از نخستین کسانی است که درباره‌ی علم توفیر در بغداد سخن گفته است.

جولان: منطقه‌ای کوهستانی بین اردن و سوریه که غالباً نیروهای صهیونیستی به آنجا حمله می‌کنند.

جیمون: رودی است که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به دریاچه‌ی آرال می‌ریزد.

چارلز دیکنز: داستان‌نویس مشهور انگلیسی (۱۸۷۰-۱۸۱۲ م.) از آثار او می‌توان به رمان‌های «دیوید کاپرفیلد»، «آرزوهای بزرگ» و «داستان دو شهر» اشاره کرد.

حاتمی، علی: فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی

مسنگ وزیر: فوش نام‌ترین و محبوب‌ترین وزیر مَمُود غزنوی است که پس از مغضوب شدن میمنری به این سمت برگزیده می‌شود. اما چون در جریان سلطنت مسعود غزنوی با او هم‌داستان نیست و برادرش مَمُود را ترفیع می‌دهد از طرف دادگاه مسعود به سعایت بوسعل‌زوزنی به اعدام محکوم می‌شود. داستان اعدام مسنگ شورانگیزترین بخش تاریخ بیوقی است.

مسینی، سیدرسن: شاعر انقلاب اسلامی، مجموعه شعرهای «هم‌صدا با خلق اسماعیل» و «کنشک و جبرئیل» از آثار اوست.

مماسه‌ی کویر: از آثار نویسنده‌ی معاصر مَمُود ابراهیم باستانی پاریزی

قاتون هفت قلعه: از آثار نویسنده‌ی معاصر مَمُود ابراهیم باستانی پاریزی

ثاقانی: افضل‌الدین بریل ثاقانی ملقب به مسان‌العجم (۵۸۲-۵۲۰ هـ). شاعر قصیده‌سرای قرن ششم هجری، وی در قوت اندیشه مهارت او در ترکیب الفاظ بی‌نظیر است.

فریه: ام‌المومنین، دختر فویدین اسد بن عبدالعزیز نخستین زن حضرت رسول اکرم، وی در سال سوم هجری از دنیا رفت.

فرسند، پرویز: نویسنده‌ی معاصر، «آن‌جا که حق پیروز است» از آثار اوست.

فواجوی کرمانی: شاعر معاصر حافظ (۷۵۳-۶۸۹ هـ). وی پس از کسب علم و فضایل به سفر پرداخت. شمه‌ای به سبک نظامی

پرداشته است شامل «همای و همایون»، «کل و نوروز»، «روضه‌الانوار»، «کمال‌نامه» و «کوه‌نامه». فواجو غزلیات شیوایی دارد.

فواجه احمد: احمد حسن میمنری وزیر مَمُود و مسعود غزنوی. وی مدتی مغضوب سلطان مَمُود واقع شد و به جای او مسنگ به وزارت برگزیده شد. اما در زمان مسعود با اکرام و اعزاز به وزارت رسید و تا لفظه‌ی مرگ در این سمت باقی ماند.

داستایوسکی: رمان‌نویس روسی، از آثا او می‌توان به «برادران کارامازف»، «ابله»، «فانه‌ی اموات» و «دهکده‌ی استپانکوف» اشاره کرد.

در انتظار شاعر: کتابی است شامل دو داستان کوتاه از نویسنده‌ی معاصر علی مؤذنی

داوود: پیامبر قوم اسرائیل، او شاعر بود و از خود کتاب «مزامیر» را به‌بای گذاشته است که به «زبور» معروف است.

دیراسین: روستایی در فلسطین که رژیم اشغالگر قدس مردم آن‌جا و روستای کَفَر قاسم را قتل‌عام کرد.

دیو سفید: دیوی که مویش سفید بود. در لشکرکشی کی‌کاووس به مازندران کی‌کاووس را به جادویی نابینا و درند کرد. رستم پس از آگاهی از

این موضوع پس از گذر از شش فان دیو سفید، راکشت و جگرش را درید و از آن برای بینایی کی‌کاووس و سران سپاه ایران استفاده کرد.

راکعی، فاطمه: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی، کتاب‌های «سفر سوختن» و «آواز گل‌سنگ» از آثار اوست.

رستم: پهلوان ایرانی پسر زال و رودابه که زادن او چون زندگی‌اش پر از شگفتی بود. تمام عمر پرمایه‌ی او به پهلوانی گذشت و در

تنگناها به کمک شاهان و شاهزادگان ایرانی می‌شتافت. کی‌کاووس را دو بار نجات داد. از شش فان گذشت با دیو سپید جنگید. بیژن را از چاه

نجات داد. کین سیاوش را گرفت و با اسفندیار جنگید. و سرانجام به دسیسه‌ی برادرش شغاد کشته شد.

رضافان: سرسلسله‌ی پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴) از نظامیان بود و پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فرمانده کل قوا شد و در سال ۱۳۰۴ بر تفت سلطنت نشست و در ۲۵ شهریور هنگامی که ایران در اشغال متفقین بود از سلطنت کناره‌گیری کرد.

۴م: پایتخت کشور باستانی ایتالیا که هزار سال پایتخت امپراتوری روم بود. این کشور بناها و کاخ‌ها و موزه‌های قدیمی بسیاری دارد. **روسیه:** نامی که سابقاً به امپراتوری وسیع تزار اطلاق می‌شد. کشوری وسیع (بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر) پایتخت آن شهر مسکو است. اکثر مردم این کشور از نژادهای اسلاو هستند پس از انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۹۱۷ حکومت تزارها پایان رفت. **روضه‌ی فلر:** کتابی است به تقلید از گلستان سعدی و بر همان شیوه که مبرخوافی آن را در سال ۷۳۲ نوشت و در سال ۷۳۳ در آن تجدید نظر کرد. مبرخوافی از ادیبان قرن هشتم بود که در نظم و نثر استادی کامل داشت.

رو ← ۴م

رهنما، زین‌العابدین: نویسنده و مترجم معاصر که با قلم شیوا و هنرمندانه‌ی خود آثاری چند در زمینه‌ی داستان و شرح حال آفریده است از جمله: *زندگی حضرت رسول اکرم* با نام «پیامبر» که از بهترین آثار او به شمار می‌آید.

زابل: شهرهای متعددی در ساحل هیرمند بوده است که مهر فیض عماسه‌های باستانی ایران و فاسنگاه آینده‌ی موعود زرتشتیان است که از دریاچه‌ی هامون ظهور می‌کند. شهر فعلی زابل از شهرهای افیر استان سیستان و بلوچستان است. این شهر در جنوب زاهدان واقع است. این شهر در مرز افغانستان است، نام قدیم آن نیمروز بوده است. مردم آن به گویش زابلی تکلم می‌کنند.

زابلستان: ایالت زابل که در جنوب بلخ و مغرب فراسان و سیستان و شمال بلوچستان واقع بوده و مرکز آن شهر غزنین بود. این شهر در صدر اسلام هنگام خلافت عثمان بن عفان فتح شد.

زاکانی، عبید: نظام‌الدین عبدالله مشهور به عبید زاکانی اهل زاکان قزوین بود. وی از بزرگ‌ترین طنزپردازان ایران و از شاعران قرن هشتم است. بعضی از آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ی دلکشا»، «افلاق‌الاشراف» و «موش و کربه».

زال: پسر سام و پدر رستم، جهان‌پهلوان ایرانی که پس از تولد به علت سفیدی مو از سوی پدر طرد شد و به کوه البرز برده شد. وی را سیمرغ پرورد و چون جوانی برومند شد پدر با فوایی که دید او را از کوه برگرفت. وی عاشق رودابه دختر شاه کابلستان شد و با او ازدواج کرد. حاصل این ازدواج رستم جهان‌پهلوان ایرانی شد.

زرتشت: پیامبر ایرانی که در آذربایجان یا ری متولد شد. وی معاصر گشتاسب پادشاه ایرانی بود گشتاسب دین او را پذیرفت و مروج آن شد. اوستا کتاب دینی او بود که شامل سروده‌های (گات‌ها) است وی در عملی دوم ارجاسب به دست یک تورانی کشته شد.

زرتین‌کوب عبدالعسین: محقق و نویسنده‌ی بزرگ معاصر در سال ۱۳۰۱ در بروجرد متولد شد. وی قلمی روان، شیوا و رسا دارد. از آثار او

می‌توان به کتاب‌های «باکاروان علّه»، «بهر در کوزه»، «نقد ادبی»، «بامدار اسلام»، «جستجو در تموّف»، «از چیزهای دیگر»، «نه شرقی نه غربی، انسانی»، «سرتی»، «پله‌پله تا ملاقات خدا» و ... را اشاره کرد.

زواره: پسر زال و برادر رستم و از پهلوانان کیفسرو بود که در تمامی جنگ‌ها یاور رستم و کارکنار وی بود.

ساعری، غلامحسین: مشهور به کوهر مراد (۱۳۶۴-۱۳۱۴) در تبریز به دنیا آمد. تمصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش سپری کرد. در تهران ادامه‌ی تحصیل داد و روان‌پزشک شد. وی نویسنده‌ای پرکار بود و آثار زیادی را در زمینه‌ی نمایش و داستان از خود بر جای گذاشت چون: «چوب به دست‌های ورزیل»، «آی با کلاه»، «آی بی‌کلاه»، «عزاداران ییل» و «کور و کهوره»، «کاو»، «توپ»، «ترس‌ولرز» و
سامانیان: فاندانی ایرانی که بر بخشی از خراسان و ماوراءالنهر از سال ۲۶۱ تا ۳۸۹ حکومت داشتند. نوح، منصور، احمد و یحیی از فرزندان اسد بودند و او فرزند سامان خدات سرسلسله‌ی این فاندان بود که ایشان سالیانی دراز موزه‌ی این دولت را گسترش دادند. هنر و ادبیات و سایر علوم در این عصر در اوج تعالی خود بود.

سامری: نام مردی از قوم موسی (بنی‌اسرائیل) که آنان را فریفت و به پرستش کوساله‌ی زرین واداشت. وی هنگام غیبت موسی از فرصت استفاده کرد و مردم را با حيله و نیرنگ به کوساله‌پرستی واداشت.

سبزواری، حمید: حسین ممتحنی متخلص به حمید سبزواری در سال ۱۳۰۴ در سبزواری زاده شد برخی از اشعار وی مربوط به قبل از انقلاب و بخش عمده‌ی آن مربوط به پس از انقلاب است. از مجموعه‌هایی که تاکنون چاپ کرده، می‌توان به «سرود سپید» و «سرود درد» اشاره کرد.

سروانتس: میکال سروانتس (۱۶۱۶-۱۵۴۷) نویسنده‌ی مشهور اسپانیایی که مشهورترین اثر او «دُن کیشوت» نام دارد. این اثر به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. سروانتس زندگی پرفرازونشیبی داشت.

سلجوقیان: فاندانی ترک که از سال ۴۲۹ تا ۷۰۰ بر بخش عظیمی از آسیای غربی حکومت کردند. سلجوقیان در نقاط مختلف شعبی داشتند چون شام، عراق و کردستان، روم و کرمان. در این عهد ادبیات رو به کمال رفت و شاعران بزرگی پدید آمدند.

سلطان محمود: ملقب به یمین‌الدوله (۴۲۱-۳۸۷) فرزند ارشد سبکتکین از مقتدرترین شاهان غزنوی است. وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید، ۳۳ سال حکومت کرد.

سلطان مسعود: فرزند سلطان محمود (۵۰۹-۴۵۲) پادشاهی کریم و دارکستر بود در سال ۴۹۳ به سلطنت رسید. دوره‌ی حکومت وی آرامشی نسبی برقرار بود.

سنایی غزنوی؛ شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و صائب مثنوی بزرگ «مدرقه‌المقیقه» است. از آثار دیگر وی به «طریق‌التفقیق»، «سیرالعباد الی‌المعاد» و «کارنامه‌ی بلخ» می‌توان اشاره کرد.

سندبادنامه: از کتاب‌های داستان قدیم بود که موضوع آن را از موضوعات کتاب سندباد حکیم هند می‌دانسته‌اند. این کتاب ابتدا به دستور نوح بن منصور به فارسی در ترجمه شد. ظهیری سمرقندی ترجمه‌ای دیگر از این کتاب کرد و ازرقی شاعر نیز آن را به نظم درآورد.

سیاست‌نامه: یا سیرالملوک کتابی است به فارسی اثر نظام‌الملک وزیر مشهور سلجوقیان که در پناه فصل‌گرد آمده است. این کتاب حاصل تجربیات چندین ساله این وزیر دانشمند است.

سیستان: یا سکستان نام قدیم آن زرنگ بود. این سرزمین در گذشته بسیار آباد بوده و انبارکنده ایران به شمار می‌رفته اما اکنون سطح کاشت کم شده است. مرکز سیستان شهر زابل است.

سیمرخ «عنقا»: پرنده‌ای افسانه‌ای که بر کوه البرز جا و مکان دارد. وی پرورنده‌ی زال جهان‌پهلوان و پدر رستم است. سیمرخ همواره حامی فاندان زال بود. این پرنده‌ی افسانه‌ای جز در اسطوره‌های حماسی، در عرفان و ادب و هنر، نیز به گونه‌های مختلف وارد شده است.

شارلمان: شارل اوّل (۸۱۴-۷۲۲ م.) از پادشاهان فرانسه که جنگ‌های زیادی انجام داد. وی امپراتوری کوتاه‌مدتی را به نام کارولنژین بنیان نهاد.

شریعتی، علی: دکتر علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۱۲) فرزند استاد ممدتقی شریعتی اهل مزینان نویسنده، متفکر و جامعه‌شناس معاصر بود که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در مشهد تحصیلات عالی را در فرانسه و در رشته‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی مذهبی پایان برد. سرانجام در سال ۱۳۵۶ به شهادت رسید. از جمله آثارش می‌توان به «فاطمه فاطمه است»، «کویر»، «هبوط»، «مسئولیت شیعه بودن» و ... اشاره کرد.

شکسپیر، ویلیام (۱۵۶۴-۱۶۱۶ م.): بزرگ‌ترین شاعر درام‌نویس انگلستان. وی کار خود را با بازی‌گری در گروه «بازی‌گران مخصوص ملکه» و نمایش‌نامه‌نویسی آغاز کرد و به عنوان بازیگری بزرگ شهرت یافت. وی را پدر نمایش‌نامه‌نویس انگلستان شمرده‌اند. شکسپیر موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌هایش را از تاریخ روم باستان گرفته و سبک او به مکتب کلاسیسم تعلق دارد.

عراقی، فخرالدین (۶۸۸-۶۱۰): از عارفان و شاعران نام‌آور قرن هفتم است. در همدان متولد شد و در همان شهر به تحصیل پرداخت و در هجده سالگی به مولتان هندوستان رفت و در خدمت شیخ بهاء‌الدین زکریا به سلوک پرداخت و چند سال بعد به عربستان و آسیای صغیر رفت و در قونیه به مجلس شیخ صدرالدین قونیوی راه یافت و کتاب لمعات را در آن‌جا نوشت. وی در دمشق درگذشت.

علی پور، مصطفی: شاعر دوره‌ی انقلاب اسلامی مجموعه شعر «از گلوی کوچک رود» از آثار اوست.

عطار: شیخ فریدالدین (۶۱۸-۵۴۰) شاعر و عارف معروف ایرانی است. گفته‌اند پدر او عطار (داروفروش) بود و فریدالدین کار او را دنبال کرد. وی پس از انقلاب باطنی، چون سرمایه‌ای بزرگ از ادب و شعر اندوخته بود، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. وی آثار بسیاری به وجود آورده که «تزکة الاولیا»، «منطق الطیر» و «الهی‌نامه» و ... از آن جمله است.

عنان: دریایی است منشعب از اقیانوس هند، در جنوب پاکستان و ایران و مشرق شبه جزیره‌ی عربستان که به وسیله‌ی تنگه‌ی هرمز از خلیج فارس جدا می‌گردد.

غدر فم: آبگیری است بین مکه و مدینه و از آن جهت میان مسلمانان جایز اهمیت است که حضرت پیامبر (ص) در هنگام برگشتن از حجة الوداع در این ناحیه خطبه‌ای ایراد کرد و امیر مؤمنان را به جانشینی خود برگزید.

قابوس‌نامه: کتابی است به فارسی تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر. نام قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به قابوس دوم معروف است گرفته شده. کتابی افلاقی و تربیتی است که آن را برای تربیت فرزندش نوشته است.

قابیل: پسر آدم و حواست. وی از قبول رأی پدر در باب ازدواج سرپیچید و کار به قربانی واگذار شد. اما قربانی او در درگاه خداوند پذیرفته نشد و همین امر خشم او را بیشتر نمود و هابیل را با سنگ بکشت.

قبطیان: ج قبطی، منسوب به قبط (Egypte) سکنه‌ی قدیم کشور مصر.

قتیه: ابن مسلم مروانی، وی در سال ۱۵ هـ. ق. از طرف حجاج به جای یزید بن موئب حاکم خراسان شد.

قزاق: قومی از تاتار، سربازی که تمت نظر نظامیان روسی تربیت شده باشد، سرباز دوره‌ی قاجار

قزوه، علی رضا: شاعر و نویسنده‌ی معاصر مجموعه شعرهای «از نفلستان تا فیابان» و «شبلی در آتش» از آثار اوست.

قشقای: ناحیه‌ای است در فارس شامل نقاطی که ایل قشقای در تابستان و زمستان در آنجا سکونت دارند، نام ایلی در فارس

کابل: در قدیم به خطه‌ای وسیع و مرتفع که اکنون قسمت شمالی افغانستان را تشکیل می‌دهد، می‌گفته‌اند.

کانترپوری: شهری است در جنوب خاوری انگلستان

کسرای، سیاوش: شاعر معاصر مجموعه شعرهای: «با دماوند خاموش»، «از قرق تا خرو سفوان»، «خانگی» و «آرش» از آثار اوست.

کلثوپاترا: نام هفت تن از ملکه‌های مصر که معروف‌ترین آن‌ها کلثوپاترای هفتم است. وی با زیبایی فیرکننده‌ی خود قیصر و آنتیوس را شیفته ساخت و پس از مرگ آنتیوس خود را با نیش افعی کشت.

کلیله و دمنه: کتابی است شامل مجموعه داستان‌هایی که حیوانات قهرمان آن هستند. اصل این کتاب هندی بوده که در عهد ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. بعدها نصرالله منشی آن را از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

کوبه: کتابی از دکتر علی شریعتی، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی درباره‌ی موضوعات مقتل است.

کیان: سلسله‌ای از پادشاهان ایران باستان، این سلسله بعد از شاهان پیشدادی به حکومت رسیدند.

گرگانی، فخرالدین اسعد: شاعر و داستان‌سرای ایرانی (فوت پس از ۴۶۶ هـ). منظومه‌ی «ویس و رامین» از آثار اوست.

گشتاسب: پسر لهراسب شهریار سلسله‌ی کیان و پدر اسفندیار بود. مهم‌ترین جنگ او با ارجاسب تورانی بود که به شکست ارجاسب منتهی شد. وی با کتیون دختر قیصر روم ازدواج کرد. گشتاسب دین زردشتی را پذیرفت.

مرزبان‌نامه: کتابی است شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی به زبان حیوانات با متوایی پندآمیز که مرزبان بن رستم از شاهان طبرستان تألیف کرده است. در اوایل قرن هفتم سعدالدین وراوینی آن را به زبان فارسی دری ترجمه کرد. این ترجمه دارای نثری مصنوع تشبیهات و استعارات فراوان است.

مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد: این کتاب در علم تصوف، اخلاق و آداب معاش و معاد است که نجم‌الدین دایه آن را به نام علاالدین کبکباد پادشاه سلجوقی در سال ۶۲۵ تألیف کرده است. نثر کتاب گاهی ساده و مرسل و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در فلال موضوعات، احادیث و آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند.

مظفرالدین شاه: پنجمین شاه قاجار و پسر ناصرالدین شاه است. وی در پنج سالگی به ولیعهدی انتخاب شد و به مدت چهل سال ولیعهد و حاکم آذربایجان بود. چند بار به اروپا سفر کرد و برای تأمین مخارج آن دو بار از روس‌ها قرض گرفت و در عوض کمرک شمال و شیلات دریای خزر را به روس‌ها واگذار کرد. وی در سال ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و در همان سال قانون اساسی را امضاء کرد و پنج روز پس از آن از دنیا رفت.

معبد پانتئون: بنای مشهوری که در وسط میدان مارس شهر رم واقع شده است. در آن‌جا همه‌ی رب‌النوع‌ها را عبادت می‌کردند. ویسپانیوس آن را با آجر و روپوش مرمر بنا کرد.

ملاقات در شب آفتابی: یکی از رمان‌های علی مؤذنی نویسنده‌ی معاصر است.

منطق‌الطیر: منظومه‌ای عرفانی و از آثار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در ۴۶۰۰ بیت است. در این اثر افکار عرفانی و شیوه‌ی سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است. این کتاب از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل و بیان خود را آشکار کرده و در ضمن گفت‌وگوی پرندگان، حکایت‌ها و تمثیل‌های شیرین آورده است.

مولوی: مولانا جلال‌الدین مومّن بن بهاء‌الدین مومّن بن حسین الفطیمی معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگ‌ترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم است. او در بلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد. وی در کودکی در نیشابور با عطار ملاقات داشت که طی آن عطار کتاب اسرارنامه‌ی خود را به مولوی اهدا کرد. آثار او عبارت‌اند از: «مثنوی»، «دیوان شمس»، «فیه‌مافیه»، «مبایس سبعه» و «مکاتیب».

ناپلئون بناپارت (۱۸۲۱-۱۷۶۹): وی در فرانسه متولد شد. در سال ۱۷۸۵ به خدمت ارتش وارد شد و پس از مدتی در اثر پیروزی‌های چشم‌گیری به مقامات بالای دولتی نایل شد. در جنگ با روس‌ها به سختی شکست خورد و عاقبت به دست انگلیسی‌ها اسیر شده و در جزیره‌ی سنت‌هلن به مرض سرطان درگذشت.

ناصرالدین شاه: پسر محمد شاه قاجار بود. در سال ۱۲۶۴ پس از مرگ پدرش در تبریز به سلطنت رسید. حدود پناه سال سلطنت کرد و در ۶۶ سالگی به دست میرزا رضا کرمانی به ضرب گلوله‌ی طپانچه به قتل رسید. در ابتدای سلطنت به یاری امیرکبیر دست به یک سلسله اصلاحات زد و چند بار به اروپا سفر کرد.

نجم‌الدین رازی: معروف به نجم دایه از عارفان مشهور دوره‌ی مغول (قرن هفتم) است. معروف‌ترین اثر او «مرصادالعباد» به نثر است. او در قونیّه با مولوی ملاقات داشته است. وی علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سروده به خصوص به سبک سنایی گرایش فراوانی داشته است.

ناصر خسرو: حکیم ابو معین ناصر بن عارث قبادیانی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم بود. وی در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ به دنیا آمد ناصر خسرو در علوم و فنون متداول زمان خود استاد بود، قرآن را از حفظ داشت و در علم کلام، حکمت و ادیان مطالعات عمیقی داشت که آثار آن در اشعارش نمایان است. آثار او عبارت‌اند از: «دیوان اشعار»، «سفرنامه»، «زادالمسافرین»، «وجه دین»، «فوان افوان» و

نصرالله منشی: نویسنده‌ی و مترجم توانایی کلیلّه و دمنه است. وی در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان در دربار بهرام شاه این کتاب معتبر را از عربی به پارسی سننیده و مزین ترجمه کرد.

نظامی گنجوی: نظامی از شاعران بزرگ داستان‌سرای ایران در قرن ششم است. وی بیشتر عمر خود را به عزلت و انزوا گذرانده است و به همین دلیل رفتارش با سلاطین بسیار ساده بوده و پادشاهان برای او احترام زیادی قابل بودند. آثار او عبارت‌اند از: «مقزن الاسرار»، «فسرو و شیرین»، «هفت پیکر» یا «بهرام‌نامه»، «اسکندرنامه». نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند. نیروی تفیّل او در وصف بسیار قوی است.

واترلو: ناپلئون اوّل پس از عزل از امپراتوری مدّتی در آلپ به حکمرانی پرداخت اما در سال ۱۸۱۵ از آلپ کربفت و به پاریس آمد و مدت صد روز به حکومت خود ادامه داد. اما در جنگ معروف واترلو به حکومت صد روزه‌ی او فائمه داده شد. واترلو نام دهکده‌ای نزدیک بروکسل در بلژیک است.

ویس و رامین: از داستان‌های قدیم فارسی و منسوب به دوره‌ی اشکانیان است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم این داستان را به خواهش فواجه عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری ماکم اصفهان به نظم کشیده است. سبک آن ساده، روان و به دور از مغلق‌گویی است. لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و لغت‌های کهنه‌ی فارسی زیاد در آن دیده می‌شود.

ویکتور هوگو: مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه است. (۱۸۵۰ - ۱۸۰۲ م.) در ردیف بزرگ‌ترین کویندگان و ادیان اجتماعی جهان است وی مردی آزادمنش و آزادی‌خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات محروم و رنجبر بود. وی بر اثر مخالفت با ناپلئون سوم از سیاست کناره‌گیری کرد و مدت بیست سال در تبعید به سر برده است. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بینوایان»، «کلیسای نتردام پاریس»، «کارگران دریا»، «مردی که می‌فند» و

هرکول: محبوب‌ترین پهلوان افسانه‌های یونانی و رومی که به خاطر قدرت فوق‌العاده و شجاعتش معروف است. او پسر زئوس و آلمن بود. هرا خواهر زئوس از او نفرت داشت و به همین دلیل دو مار برای کشتنش به سر کوه‌داری او فرستاد. اما هرکول آن دو را فقه کرد. ائوریستئوس پادشاه وقت او را تطهیر کرد و به انجام دوازده کار مشکل‌و‌داشت که به شان‌های دوازده‌گانه معروف است.

تاریخ ادبیات پیش‌دانشگاهی

نی‌نامه: هجده بیت اول مثنوی معنوی مولانا به «نی‌نامه» شهرت یافته است.

صمیمه‌ی سباده: مجموعه‌ای از نیایش‌های امام سجاد (ع) می‌باشد و لبریز از معارف و آموزش‌های افلاقی و اجتماعی است.

یوسفی، غلامحسین: از محققان و نویسندگان دانشگاهی در تهران و مشهد بوده است و در سال ۱۳۰۶ در مشهد متولد و در سال ۱۳۶۹ در

تهران درگذشت. آثار او عبارتند از: «دیداری با اهل قلم»، «برک‌هایی در آغوش بار»، «پشیمانی روشن» و «تصحیح بوستان و

گلستان سعدی».

نمونه‌های موفق شعر غنایی

تغزل: رودکی، سعدی و حافظ

عرفان: سنایی، عطار، مولوی و حافظ

مناجات‌نامه: سنایی و وحشی‌بافقی

هجو، هزل و طنز: سوزنی سمرقندی، انوری و عبید زکاتانی

مرثیه: رودکی، سعدی، خاقانی و مفتاح‌کاشانی

حبسیه: مسعود سعد سلمان، خاقانی و فرخی یزدی

شکواییه: رودکی، ناصر خسرو و فیاض

ساقی‌نامه: نظامی، حافظ، رضی‌الدین آرتیمانی

مدیحه‌سرایی: عنصری، فرخی، منوچهری و انوری

منظومه‌های عاشقانه: عنصری، فخرالدین اسعد کرکانی و نظامی

ابوالحسن علی بن عثمان بلابی هجویری غزنوی: (فوت ۴۶۵) خالق «کشف‌المحجوب» است. این کتاب از جمله قدیمی‌ترین و

معتبرترین کتاب‌های فارسی در تصوف است.

منظومه‌ی فسرو شیرین: اثر نظامی گنجه‌ای که بارها مورد تقلید شاعرانی مانند امیر فسرو دهلوی و وحشی‌بافقی قرار گرفته است.

شاه شیخ ابواسحاق: غزل دولت یار حافظ ناظر به سرکار آمدن حکومت ناروای امیر پیر حسین در شیراز و آغاز حکومت شاه شیخ

ابواسحاق است او از مصوب‌ترین و ممدوبان حافظ است وی در پایان به دست امیر مبارزالدین شکست خورد و اعلام شد.

بیرل دهلوی، عبدالقادر: نماینده‌ی تمام عیار اسلوب هندی است که این سبک به خیال‌بندی و نازک‌اندیشی و به کار بردن

مضمون‌های بدیع مشهور است. این شاعر قرن یازدهم و دوازدهم برای ایرانی‌ها ناشناخته مانده ولی در شبه‌قاره‌ی هند و تاجیکستان از

شهرت برخوردار است.

کیمی، محمد رضا؛ از نویسندگان معاصر است که نوشته‌های او در زمینه مسائل دینی و اعتقادی می‌باشد. مشهورترین اثر او «ادیات و تعهد در اسلام و الفیاه» است.

ایرج میرزا؛ متوفی به سال ۱۳۰۴ ه. ش. شاعری است که با زبانی پالاک از گفتارهای ساده‌ی روزانه مردم به شیوه‌ی هنرمندانه بهره جسته است.

طباطبایی، محمدحسین؛ این استاد و علامه در سال ۱۲۸۱ ه. ش. متولد و در آبان ۱۳۶۰ در قم رحلت نمود. تفسیر سترگ المیزان و اصول فلسفه و روش رئالیسم از آثار اوست.

امام فمینی؛ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در سال ۱۲۷۹ ه. ش. در خمین متولد شد و در ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ به ملکوت اعلی پیوست. از آثار متعدد ایشان می‌توان به چهل حدیث اشاره کرد.

سعدی‌نامه (بوستان)؛ سعدی آن را در سال ۶۵۵ پس از بازگشت از سفر بر وزن شاهنامه در ده باب تنظیم نمود.

تذکره‌اولیا؛ تنها اثر منثور باقی‌مانده از عطار است که شرح حال ۷۲ تن از عارفان بزرگ است. پس از عطار ششمین ناشناسی بیست و پنج بخش بر آن افزوده که پرمایگی بخش اصلی را ندارد.

اعتصامی، پروین؛ (۱۳۲۰-۱۳۸۵ ه. ش.) مشهورترین شاعر زن ایرانی است که در دیوان او از ۲۴۸ قطعه شعر، ۶۵ شعر حالت منظره دارد. مناظره‌ی «مست و هوشیار» از بهترین قطعات وی است.

ملک الشعرای بهار، محمد تقی؛ (۱۳۳۰-۱۳۶۶ ه. ش.) شاعر، محقق، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و مرد سیاست بود. شهرت عمده‌ی وی برای قصایدش است و قصیده‌ی دماوندیه‌ی دوم او که در سال ۱۳۰۱ سرود از زیباترین قصاید فارسی است.

آل احمد، جلال؛ (۱۳۴۸-۱۳۰۲ ه. ش.) داستان‌نویس معاصر است که در زمینه‌هایی چون داستان، سفرنامه، مقالات و تکیه‌نگاری آثاری ارزشمند از خو بر جای نهاده است. «اورازان» یکی از تکیه‌نگاری‌های اوست.

محمد بن منور؛ نواده‌ی ابوسعید ابوالفیر (عارف نامی قرن پنجم) «اسرار التوفیق فی مقامات شیخ ابی سعید» را در احوال جر خود در سه باب نگاشته است.

زرین‌کوب، عبدالمسین (۱۳۷۸-۱۳۰۱ ه. ش.)؛ نویسنده، محقق و نقاد بزرگ معاصر است. زمینه‌ی اصلی تألیفات و تحقیقات او نقد ادب و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی ایران است. از آثار او می‌توان به کتاب‌های «با کاروان مله»، «شعر بی‌دروغ شعر بی‌تقاب»، «فرار از مدرسه»، «بهر در کوزه»، «سرتی»، «بامداد اسلام»، «ارزش میراث صوفیه»، «جست‌وجو در تصوف» و «پله‌پله تا ملاقات خدا» اشاره کرد.

اسلامی نروشن، محمدعلی؛ در سال ۱۳۰۴ در نروشن یزد متولد متولد شد و با دو اثر به نام‌های «گناه» و «چشمه» شناخته شد. و حاصل

سال‌ها جوان‌گردی خود را در کتاب‌های «در کشور شوراها»، «کارنامه‌ی سفر چین»، «آزادی مبسمه» و «صفیر سیمرخ» آورده است. وی فارغ‌التصیل دکترای حقوق از دانشکده سوربن فرانسه است. کتاب «روزها» یکی از نمونه‌های برجسته‌ی حسب حال وی در زبان فارسی است.

مصائب، غلامحسین: سرپرست کردآوری «دایرةالمعارف فارسی» در سه جلد است که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد.

مستوفی، عبد...: نویسنده‌ی «شرح زندگی‌های من» در سال ۱۲۹۴ هـ. ق. در سرپشمه‌ی تهران متولد شد. او از اولین فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی سیاسی بود که به ابتکار میرزا حسن خان مشیرالدوله تأسیس شده بود. از وی آثاری چون ترجمه‌ی «انقلاب کبیر فرانسه»، «ابطال الباطل»، «مماکمه‌ی انسان و حیوان» و «چهل ساعت ماکمه» بر جای مانده است.

دوده، آلفونس (۱۸۹۷-۱۸۴۰): از نویسندگان نامدار فرانسه است و صاحب آثاری چون «نامه‌های آسیاب من» و «قصه‌های دوشنبه» می‌باشد.

نهج البلاغه: مجموعه‌ی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) است. این کتاب به همت سید رضی (۴۰۶-۳۵۹ هـ. ق.) گردآوری شد و استاد سید جعفر شهیدی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

یوهان ولفگانگ گوته: شاعر و مکیم آلمانی (۱۷۴۹-۱۸۳۲) که به ادبیات جهان فویش تأثیری ژرف داشته است. او در پزشکی و علوم طبیعی نیز مطالعاتی داشته و کتاب‌هایی مانند «تغییر حال گیاهان» و «تئوری رنگ‌ها» را نوشت.

مهم‌ترین آثار ادبی او عبارتند از: «ورتر» «فاوست»، «آلمونت»، «نغمه‌های رومی» و «دیوان شرقی - غربی». او شیفته‌ی حافظ بود. **افوان ثالث، مهدی:** (م امیر) از موفق‌ترین شاعران شعر نیمایی است. او صاحب آثاری چون «زمستان»، «آفر شاهنامه» و کتاب‌های «ارغنون»، «از این اوستا»، «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، «در حیاط کوچک پائیز در زندان»، «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» و «عطا و لقای نیما یوشیج» می‌باشد.

سپهری، سهراب: در سال ۱۳۰۷ در گلشان متولد شد. و صاحب آثاری مانند: «مرک رنگ»، «زندگی فواب‌ها»، «آوار آفتاب»، «شرق اندوه» و «مجم سبز» می‌باشد.

آفرین مجموعه‌ی اشعار او: «ما هیچ ما نگاه» با دیگر اشعارش در مجموعه‌ی «هشت کتاب» منتشر شد.

رهمانی، ممد رضا (۱۳۷۰-۱۳۰۸): مشهور به مهرداد اوستا است. از آثار او می‌توان به «تیرانا» و «پالیزبان» اشاره کرد.

هراتی، سلمان (۱۳۶۵-۱۳۳۹): از شاعران توانای انقلاب است. آثار او در سه مجموعه‌ی «آسمان سبز»، «از این ستاره تا آن ستاره» و «دری به خانه شورشیر» به چاپ رسیده است.

آب بردن: رونق و آبرو، آب بردن کتابه از آبروی کسی را بر باد دادن.

آبزن: عوض کوچک، موضعه‌ای که از چینی یا آهن و مانند آن برای شست‌وشو سازند.

آرمان: آرزو، امید

آرنگ: آرنج

آژنگ: چین و شکنی که به واسطه‌ی فشردن به پهره و ابرو و پیشانی افتد.

آوند: معلق

الف

ابلیس: شیطان، اهریمن

اتراق: (ترکی اوتراق) توقف چند روزه در سفر به جایی

اجابت: برآوردن

اجرا: راندن، روان ساختن، جاری کردن، جیره مقرر کردن برای کسی

افتر سعر: مشتری است که «سعر اکبر» است.

ادرار: مقرری، مستمری

آرسی: نوعی در قدیمی که عمود باز و بسته می‌شود، مبارزاً به اتاقی که دارای چنین درهایی بوده، «آرسی» می‌گفته‌اند.

ارغند: خشمکین و قهرآلود (در فرهنگ‌های فارسی ارغند را دلیر و شجاع معنی کرده‌اند).

از اربای پرمین: شلوار پرمین که لباس جماعت اوباش و ولگردها بوده است.

اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها، همچون اژدها هول‌انگیز و ترسناک

اساطیر: جمع اسطوره، افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و پهلوانان ملل قدیم

استشهادنامه: گواهی‌نامه، استشهاد: طلب شهود برای گواهی یا اثبات حق

استگلاف: سر باز زدن

اشباح: جمع شبح ← شبح: سیاهی‌ای که از دور به نظر رسد.

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در کلام مولانا کشتن روح کمال طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی است.

اصول: علم استنباط امکام فقهی

اعصار: روزگاران، دوره‌ها

اقبال: روی آوردن، نیک‌بختی، بخت و طالع (مقابل ادبار)

اقویا: قدرت‌مندان

اکسیر: جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر سازد؛ هر چیز مفید و کمیاب

انطباعات: (جمع انطباع) اداره‌ی نگارش

اورند: اورنگ، تفت، میازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت

اهل صورت: متشرّعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند.

اهورا: به لغت اوستا وجود مطلق و هستی‌بخش، اهورامزدا.

اهورایی: منسوب به اهورا

ب

باب‌الطاق: مملّه‌ای است بزرگ در بغداد

بابگاه: محلّ افز عوارض

بام: بامدار، صیگاه

بازارگاه: کوچه‌ای سرپوشیده که از دو سوی، داراری کُنان‌ها باشد. در این‌جا مقصود اهل بازار

بدایت: آغاز، ابتدا

برگ: نوعی پارچه از پشم شتر

برّو بر: بربر = بادقّت، خیره خیره

بزه: گناه

بشاشت: تازه‌رویی، فوش‌رویی

بلاغت: پیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن

بنگ: ماده‌ای مفرّ که از شاه‌دانه به دست می‌آید.

بور شدن: شرمندۀ شدن، فبلت زده شدن

به گمان بودن: تردید داشتن

بهل: بگذار، رها کن

بی‌روزی: بی‌نوا و درویش

بیگانه: دیر

پ

پاژه: پاشویه

پای‌مردی: فواشگری، میانجی‌گری، شفاعت

پای‌مردان دیو: دست‌یاران حکومت، تومیه‌کنندگان حکومت بیدار

پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتّب

پس‌اغلندر: پس‌اغلندۀ، پس‌اغت، میراث

پشت‌پای: روی پای، سینه‌ی پای

پیشگیری [در چشم]: مراد امولی و کچ‌بینی است. کاژ

ت

تازی: عربی، (در این‌جا مقصود اسب عربی است)

تَبْتَلْ: از جهان بریدن، از مردم بریدن

تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت

تراویدن: چکیدن، تراوش کردن آب و شراب و امثال آن

ترنج: بالنگ، از مرکّبات

تریاق: پادزهر، ضدّ زهر

ترید=تریت: ریزه کردن نان در دوغ و آب‌گوشت و امثال آن

تعریفن: به کنایه سخن گفتن

تعلیمی: عضای سبکی که به دست گیرند.

تفقّد: دل‌جوایی

تنزیل: فرو فرستادن، نازل کردن (مقصود قرآن کریم است)

تنعم: تن آسایی، فرو رفتن در ناز و نعمت

توخال: تفته‌های نازک و باریک که به سقف اتاق می‌کوبند و روی آن گاه‌کل یا کچ می‌کشند.

توسنی: سرکشی، عصیان (صفت اسب)

تهیّده: شب‌بیداری، شب زنده‌داری

تیز تیز: با فشم

ج

جاذبه: جذب‌کننده، راینده

جدل: علم یا فنّ مناظره و استدلال

جگرگه: گروه، زمره

جلودار: نوکری که عنان اسب را می‌گیرد و پیشاپیش پیاده می‌رود.

جولان: گردیدن، دور زدن

جلی: آشکار، روشن

چ

چاروادار: چهارپادار، کسی که حیوانات بارکش را می‌راند یا با آن‌ها باربری می‌کند.

چغز: قورباغه

چوک: مرغی است مانند چغز که خود را از درخت آویزان سازد و فریاد کند؛ شب‌اوینز، مرغ حق

چینه: دیوار کلی

ح

حادی: مدی فوان، سرودفوان

حباب: پرده و در اصطلاح عرفا، موانعی را گویند که میان عاشق و معشوق باشد و هر چیز که مطلوب را بپوشاند.

هر: مبارزات شرعی

هَری: سرود و آوازی که ساریان عرب خوانند تا شتران تیزتر روند

هشیش: سرشافه‌های کل‌دار گیاه شاه‌دانه که آن‌ها را خشک می‌کنند و پس از آماده‌سازی، می‌جویند یا دود می‌کنند.

هصین: مکلم

هفیفن: نشیب، بستی، (مقابل اوج)

هی: قبیله

خ

خانقاه: محلی که درویشان و مرشدان در آن سکونت می‌کردند و رسوم و آداب تصوّف را اجرا می‌نمودند.

خرقه: در لغت به معنی جامه‌ی ضعیف و پندرتکه که اهل تصوّف می‌پوشیدند.

خضاب: آن‌چه سروصورت یا پوست را بران رنگ‌کنند؛ مانند وسمه، عنا، کلکونه

خواص: زنبیل‌باف و خواص به معنی لیف فرماست که از آن سبیل می‌بافتند.

خوالیگر: آشپز، طبّاح

>

دار ضعیف: مهمان‌سرا، مهمان‌خانه

داروغه: نگهبان

داشتن: حفاظت کردن، پاییدن، حرمت کردن، نواختن

دافعه: دفع‌کننده، قوّه‌ای که نیروی دیگری را دفع کند، مقابل‌یازبه

دغمه: سردابه‌ای که مردگان را در آن نهند؛ کورستان زردشتیان

دُرّاعه: جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو بپوشند؛ چپّه

در جوشیدن: آشوب کردن

درزه: بسته

درخش کاویان [افتخار کاویان]: درخش ملّی ایران در عهد ساسانی

دروغ: صورتی نادر از کلمه‌ی دوزخ

دریوزگی: بی‌نواایی، کدایی

دژم: فشمکین

دستگاه: قدرت، ثروت، شوکت، دولت

دستور: اجازه، راهنما، وزیر

دشت: دست‌لاف، پیش‌مزد، فروش اوّل هر کاسب

دوگان: دودو، دوتا دوتا

دولاب: نوعی ږڅ آب‌کشی

دهشت: سرکشتگی، هیرت، تعجب، اضطراب، ترس

دیره‌ور: بینا

دیشلمه: پایی که شکر یا قند در آن حل نکرده باشند بلکه قند را در دهن گزارند و پای را به شیرینی آن فورند؛ قند پهلو

/

رأی زدن: مشورت کردن

رایت: غلّ، بیدق

رجم: سنگ‌زدن

رقام: نوعی سنگ مرمر با رکه‌هایی به رنگ قهوه‌ای و زرد و سبز

رسومات: تشریفات

رعب: ترسیدن، خزع کردن، ترس، بیم

رند: در اصل به معنی مردمان بی‌سروپاست ولی در شعر حافظ، انسان کامل یا ولی خداست.

روستاق: معرّب روستا

ریاضت: تملّ رنج و تعب برای تهذیب نفس

رؤیت: دیدن

ز

زاویه: کنج، گوشه، اتاقی در خانقاه و مانند آن که به خلوت و ریاضت سالکان و فقرا اختصاص دارد.

زفم‌درای: ضربه پتک، درای در اصل زنگ کاروان است.

زغن: کلاغ

زلزل: جمع زلزله

زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین

زی: لباس و پوشش خاص هر صنف

س

سَبَّغیت: درزنگی

سپردن: پای مال کردن و زیرپا گذاشتن

ستردن: پاک کردن

ستیندگی: ستیزندگی، لجاجت

سیستانی: سیستانی، اهل سیستان

سُفَره: تمسفر، ریشفند

سرکردن: آغاز کردن

سرگمرانی: خودپرستی و غرور

سغله: پست، فرومایه

سَلْمنا: پذیرفتم (در اصطلاح)

سمندر: اسب زرد رنگ

سِن: صحنه‌ی نمایش

سو: دیر، توان بینایی

سواد: آبداری، (در متن ناصر خسرو)

سورُت: تندی، تیزی، شدت اثر

سیاه چادر: خیمه‌های سیاه‌رنگ که گولیان و صمرانشینان در دشت و صحرا برای سکونت برپا کنند؛ سیاه‌خانه

ش

شباباش: شادباش، طلا یا پولی که بر سر عروس با داماد ریزند.

شاطر: چالاک، چابک

شامورتی: اصطلاح حقّه‌بازی؛ فقهی مخصوصی که فقه‌بازان با آن عملیات ممیّع‌العقول انجام دهند.

شبتاب: کرم شب‌تاب؛ آن‌چه در شب بدرخشد

شرهه شرهه: پاره‌پاره (شرهه: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند)

شرنگ: زهر، سم، هر چیز تلخ

شکر فندره: فندره‌ی شیرین، فندره‌ی دل‌نواز

شلیطه: شلیقه؛ نوعی دامن‌گشاد و پرپین و کوتاه که در قدیم زنان روی شلوار می‌پوشیدند.

شمارگر فتن: حساب پس دادن

شوخ چشم: کستاخ

شیر سپهر: آفتاب (به اعتبار آن که برج اسرافانه‌ی اوست)

شیر شرزه: شیر فشمگین

ص

صحبّت: مصاحبت، هم‌نشینی

صعوه: پرنده‌ای کوچک به اندازه‌ی گنجشک

صغدر: کسی که صفّ لشکر را می‌درد، دلیر

صورت بستن: تصوّر کردن

ض

ضمار کردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم نهادن

ضیاع: جمع ضیعه، زمین و آب و درخت

ضیف: موهمان

ط

طرد: راندن

طفیل: کسی که نافوانده به موهمانی رود؛ اَنکَل، به صورت اَنکَل

عقبات: مشاهد و آرامگاه‌های متبرکه مانند آرامگاه حضرت علی (ع) و حضرت امام حسین (ع) و دیگر مزارهای امامان

عردآه: وسیله‌ای کوچک‌تر از منبتی که در ینک‌های قریم برای پرتاب کردن سنگ به کار برده می‌شد؛ به واحد شمارش توپ نیز گفته می‌شود.

عرایض: جمع عریضه، نامه‌ی شکایت

عشر: نوعی مالیات، معادل $\frac{1}{10}$

عنایت: توبه

عواید: جمع عایده، درآمدها، فواید، منافع

عیار: ابزار سنجش، سنگ مملک

عیوق: ستاره‌ای است سرخ‌رنگ و روشن در کنار راست کوهکشان که پس از ثریا طلوع می‌کند و پیش از آن غروب می‌کند. مظهر دوری و روشنائی و بلندی است.

غ

غالیه: از عطریات و مرکب از مواد خوش‌بو از قبیل مُسک، عنبر، کافور ... با رنگ سیاه

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرایب: جمع غریبه، نادر، نو

غریو: بانگ و فریاد، هیاهو

غزو: داد و فریاد، فروش

غیرت: حمیت، ناموس‌پرستی؛ حمیت ممد است بر طلب قطع تعلّق نظر ممبوب از غیر یا تعلّق غیر از ممبوب.

ف

فاق: پاک زدن، شکاف نوک قلم

فاضل: فاضلاب، آب زاید، باقی‌مانده‌ی آب

فال: شکون به زبان یا دل نیک آوردن، پیش‌بینی خوش‌بینانه (مشهورترین نوع فال زدن با دیوان حافظ صورت می‌گرفته است).

فتح: حاصل شدن چیزی از آنچه توقع نباشد؛ کشایشی که در حال و باطن سالک ایبار شود؛ مال و نعمتی که درویش یا پیر می‌بخشدن چون نذر و مانند آن.

فخته: آشوب، غوغا (در متن به معنی اختلاف در آرا و عقاید)

فختیان: جوان مردان

فخر: [فخره: فخره] فروغی ایزدی است که به دل هر که بتابد، از همگنان برتری می‌یابد و از پرتو همین فروغ است که شمس به پادشاهی می‌رسد و در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌شود.

فراست: دریافتن باطن چیزی به وسیله‌ی تکرستن به ظاهر آن، ادراک، زیرکی

فراغت: استراحت و آرامش

فراِم: فریم (Frame)، قاب عینک

فسرده: یخ‌زده، منجمد

فصاحت: درستی و شیوایی؛ سفن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات فوش‌آهنگ و رایج و ترکیب‌بندی درست عبارات و جملات مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد.

فقه: علم فروع عملی احکام شرع

فَلَقَ: سپیده‌دم

فند=بند: مکر و هیله، پرفند: پرهیله، هیله‌گر

ق

قاصدک: کل قاصد، گیاهی است علفی و پایا از تیره‌ی مرکبان. این گیاه به‌طور خودرو می‌روید.

قُبَّه: بنای کنبدی شکل

قتیل: برخی موارد در زبان عربی فعیل به معنای مفعول است؛ از جمله این‌ها که به معنای مقتول و کشته شده می‌باشد.

قدّاره: قمه؛ نوعی از شمشیر

قدّاره‌بند: کسی که از قدّاره استفاده می‌کند.

قدروم: باز آمدن، وارد شدن

قصّه: ماجرا، مآوقع

قصور: نقص و کاستی، عیب

قلا کردن: کلک زدن، شیطننت کردن

قلماسنگ: قلاسنگ، خلاش؛ آلتی که با آن سنگ اندازند.

قُمَری: پرنده‌ای از راسته‌ی کبوتران، یاکریم

قو: چوب‌پنبه‌ای مانند که در آتش روشن کردن با پشماق استفاده می‌شد.

قهور: غلبه

قوَال: در این‌جا مقصود بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی است. (رک. هفت صندوقی)

ک

کار از دست شدن: کار از کار گذاشتن

کافور: ماده‌ی معطر جامدی که از گیاهی چون ریحان و بابونه و چند نوع درخت به دست می‌آید.

کتیرا: صمغی است که از برخی گونه‌های کَوْن به دست می‌آید.

کرامت: در اصل بزرگواری‌ها و در اصطلاح صوفیه امور شارق‌العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اشبار غیبی و اشراف بر ضمایر.

کران: حد، انتها

کشیک‌چی‌باشی: (باشی پسوند ترکی به معنی رئیس است) رئیس پاسبانان و قراولان

کما (کمای): گیاهی است از تیره‌ی پتیریان که با آن نوعی آتش درست می‌کنند.

کنده: کودال، ممل‌کنده‌شده که معرب آن خندق است.

کولی: (کاولی، کابلی) طایفه‌ای از مردم بیابان‌گرد که در اقطار عالم پراکنده‌اند و عادات و رسوم و زبان خاص خود را دارند.

کهریز: کایز، قنات، مجرای آب زیرزمینی

کهل: کسی که سنش بین سی تا پنجاه سال باشد.

گ

گراور: تصویری که بر روی صفحه‌های فلزی حکاکی شود و در چاپ به‌کار رود.

گنز: نام درختی است که در مناطق گرم می‌روید.

گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و هم‌گنجی منسوب به فریدون

گَوْن: گیاهی است که از صمغ آن کتیرا به دست می‌آید.

ل

لباس راسته: لباس دراز بی‌چین

لبام: لگام، دهانه، اخسار

لنگ و لوک: آن‌که پا و دستش معیوب باشد؛ مبارزاً ضعیف و ناتوان.

لُهب: شعله‌ی آتش، زبانه‌ی آتش

۴

ماضِر: آن‌چه حاضر بود؛ خوردنی آن‌ک؛ حاضر؛ حاضری

متصوِّفه: صوفیان

مجاور بودن: اعتکاف و گوشه‌نشینی اختیار کردن

مَجْزُوب: جذب‌شده، کسی است که فدای تعالی او را برای خود برگزیده و پاک گردانیده باشد.

مجلس گفتن: سخن‌رانی و وعظ در مسجِد و خانقاه

معتسب: مأموری که کار وی نظارت بر اجرای احکام دین بود.

مُفَضِّل: استشهاده؛ متنی که ضحاک برای تبرئه‌ی فویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

مَرَقَّع: پاره‌ای که از چند تکه دوخته شده باشد. خرقه و پشیمنه‌ی صوفیان از این نوع بوده است.

مُزَكِّي: پاک‌کننده، آن‌که شاهدان عادل را به پاکی و پارسایی توصیف کند.

مِساَعی: (جمع مِساَعی)، سعی‌ها، کوشش‌ها

مسلسل: در زنجیر شده

ممشبک: دارای شبکه، سوراخ‌سوراخ

مَشْرَعَه: جای نوشیدن آب

معتکف: عزلت‌نشین، گوشه‌نشین

مصباح: جمع مصباح چراغ

مُعَمَّر: سال‌خورده

مغلول: بسته‌شده

مقاتلات: (جمع الجمع مقتل)، جنگ‌های

مقام: اقامت

مقرّر: اقرارکننده، تأییدکننده

مُقرئ: خواننده؛ کسی که قرآن را با لحن و صوت بخواند.

مَقْهُور: مغلوب، شکست‌خورده

ملاهی: جمع ملهی آلات لهو